

فراخوان حزب حکمتیست

در سالروز برآمد انقلابی شهریور،
علیه حجاب و آپارتاید، علیه فقر و فلاکت پیاخیزیم!

صفحه ۳

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت
اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

صفحه ۴

دنیای وارونه، شکایت زندان بان از زندانی

سیاوش دانشور

صفحه ۸

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
بر گزار شد

صفحه ۷

خیزش ۱۴۰۱-۱۴۰۲ آغاز یک پایان!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱-۱۴۰۲

بخش هشتم و قسمت پایانی: میان ما و شما یک دریا خون است!

پروین کابلی

صفحه ۹

فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱

صفحه ۱۱

اخراج اساتید و گمردن مداحان به کرسی استادی!

دانشگاه هیئت عزاداری نیست، دانشگاه سنگر آزادیست!

امیر عسگری

صفحه ۱۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای

چپ و کمونیست - در محکومیت

تهدیدات جمهوری اسلامی برای

خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون

مستقر در کردستان عراق!

صفحه ۱۶

- ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر صفحه ۱۳

- انفجار در معدن زرمجاه طزره دامغان

اعلامیه حزب حکمتیست صفحه ۱۵



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۱۷ شهریور ۱۴۰۲ - ۸ سپتامبر ۲۰۲۳

مرگ دلخراش شش کارگر در

معدن طزره دامغان

معادن قتلگاه کارگران!

در ایران تحت حاکمیت دولت سرمایه داری
مذهبی، نه امنیت شغلی وجود دارد و نه
کارگران در محیط کار و معدن به دلیل فقدان
استانداردهای ایمنی محیط کار در نتیجه سود
جویی کارفرما و سرمایه داران امنیت جانی
دارند. در چنین شرایطی است که آمار تلفات
کارگران در محیط کار افزایش پیدا میکند.

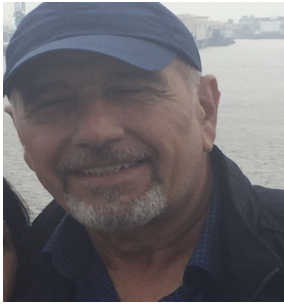
روز یکشنبه ۱۲ شهریور بر اثر وقوع انفجار و
ریزش در عمق ۴۰۰ متری تونل معدن زغال
سنگ طزره در شهرستان دامغان شش کارگر
به نامهای بهروز افروز، قربانعلی کمال، حمید
ایزدی، حسین غزائیان، ابوالفضل غنایی و
محمد نعمتی صفت از کارگران قراردادی و
قدیمی این معدن زیر آوار دفن شدند و جانشان
قربانی سود و منفعت سرمایه داران شد. در این
سانحه تعدادی از کارگران نیز دچار گاز
گرفتگی، تنگی نفس و مسمومیت شدند.

این اولین بار نیست که در این معدن بر اثر
حوادث ناشی از فقدان ایمنی محیط کار لایقیدی
و سود جویی صاحبان معدن، کارگران جان
خود را از دست می دهند. در اردیبهشت سال
۱۴۰۰ در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره
بر اثر ریزش ناگهانی سقف کارگاه دو کارگر به
نامهای میلاد روشنائی و اصغر فضلایی نیز
جان باختند و قربانی منفعت و سود پرستی
سرمایه داران شدند.

شش کارگر در عمق ۷۰۰ متری معدن با کار
طفاقت فرسا، عاقبت به دلیل سهل انگاری و
لایقیدی صاحبان سرمایه نسبت به امنیت جانی
کارگران، جان باختند. هرگز فراموش

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



میلیونها از این کارگران اساساز بیمه درمانی محروم هستند.

مرگ دلخراش شش کارگر در معدن طزره تنها گوشه کوچکی از ظلم و ستم سرمایه داران و دولت ضد کارگری حامی آنان علیه کارگران است. علاوه بر آن فقر و فلاکت بیش از حدی کارگران و محرومان جامعه احاطه کرده است. امنیت شغلی وجود ندارد و به دلیل بیکاری و زندگی سخت اقتصادی کارگران ناچارند به هر شرایط کاری و

دستمزد نازل و ناامنی محیط کارتن دهند و زندگی را براکثر کارگران و زحمتکشان تلخ و جهنمی کرده اند. در کنار کارگران و محرومان، به کولبران و سوخت بران نیز زندگی پرمشقتی تحمیل کرده اند و هر روز باید شاهد مرگ تعدادی از آنان توسط سرکوبگران دولتی باشیم.

نه تنها کارگران معدن و محرومان، کولبران، سوختبران، معلمان، زنان در یک جامعه نا امن مملو از ظلم و ستم و نابرابری به سر می برند و روزانه انسانهای زیادی به دلیل اعتراض به این همه ستم و نابرابری دستگیر، زندانی، اعدام و مورد تعرض جسمی و روحی قرار می گیرند. به زعم این همه فشار و سرکوب و اختناق، جامعه ایران در بطن یک تحول انقلابی به سر می برد و سرنگونی حکومت اسلامی در دستور جامعه قرار دارد. سرنگونی دولت سرمایه داری و مذهبی در ایران آغاز تحولی برای ریشه کن کردن ظلم و ستم طبقاتی و پایان دادن به تبعیض و نابرابری علیه اکثریت آحاد جامعه است. طبقه کارگر و رهبران و فعالین سوسیالیست این طبقه برای به ثمر رساندن تحول انقلابی جاری، به نفع خود و هم طبقه هایش باید در صف اول این مبارزه برای پایان دادن به عمر رژیم جمهوری اسلامی حضور پیدا کنند و رهبری آن را به دست گیرند.

سر دبیر



www.hekmatist.org



مرگ دلخراش شش کارگر در معدن طزره دامغان

معادن قتلگاه کارگران!

نمی شود که در روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶ در معدن زغال سنگ زمستان بورت در استان گلستان وابسته به "گروه مالی مهر اقتصاد" از وابستگان نهاد بسیج مستضعفان، ۴۳ کارگر در اثر انفجار گاز در معدن جان خود را از دست دادند.

لاقیدی سرمایه داران از زبان سرپرست معدن طزره نسبت به جان کارگران

قنبری سرپرست معدن طزره در پاسخ خبرنگار که چرا این اتفاق افتاد مگر معدن تهویه و ایمن کاری نداشت؟، جناب می فرماید: "ما جلسه داشتیم. در آن زمان هیچ نقطه بحرانی در هیچ جای معدن وجود نداشت. تحلیل های ما وجود یک حفره گازی را نشان می دهد. این جناب می گوید که حفره های گازی قابل شناسایی و تحلیل نیستند. بازرس کارما ده دقیقه قبل حادثه بغل دست این "عزیزان" بوده و میزان سنجش گاز صفر نشان داده است. ده دقیقه در دقایق پایانی شیفیت کار هنگام خروج کارگران این حادثه رخ داده. بنابر این احتمالاً تصاعد گاز و ایجاد حفره گازی عامل حادثه بوده است.

این سخنان سر پرست معدن قنبری، آشکارا ریشخند به صورت کارگران جانباخته و همکاران آنان است که جانشان را کف دست به این شرلاتانهای مفتخور می سپارند. این جناب دروغ می گوید، دستپاچه و پر تناقض است. چطور ممکن است ده دقیقه قبل میزان سنجش گاز صفر نشان داده اما بعد از ده دقیقه انفجار صورت گرفته است. تولید گاز و وجود حفره های گازی از روتین های بخصوص معادن زغال سنگ در اعماق است که با کارشناسان زنده و حرفه ای و امکانات تکنیکی پیشرفته به موقع قابل شناسایی و جلوگیری از این فجایع و مرگ کارگران ممکن و عملی است، اما منفعت سرمایه و صرفه جویی صاحبان و خودداری از تهیه امکانات و تسهیلات ایمنی در محیط پر خطر معدن، رشوه خواری و چشمپوشی مامورین در کنترل محیط ایمنی معدن، با عث مرگ کارگران است. این سخنان توجیه جنایتی است که جناب قنبری و سایر سودجویان معدن در حق کارگران مرتکب شده اند. اگر در این مملکت زره ای عدالت وجود می داشت می بایست صاحبان این معدن را به علت مرگ کارگران، دادگاهی و محاکمه می کردند. کارگران معدن طزره از نا امنی محیط کار خوب آگاهند و میدانند که این صحبتها مفت است و آقای قنبری و صاحبان معدن که عموماً وابستگی به قدرتمندان و نهادهای دولتی دارند، باعث و بانی مرگ کارگران هستند. آنچه که در معدن طزره اتفاق افتاد سندی بر نظم استثمارگر سرمایه داری در ایران تحت حاکمیت دولت جنایتکار جمهوری اسلامی است.

مرگ کارگران در قتلگاه سرمایه

روزانه خبرهای تلخ و ناگواری از مرگ کارگران نه تنها در معادن که در محیطهای کار، بر اثر انفجار گاز، افتادن در چاه آب و گرفتگی برق و سایر سوانح کاری به دلیل فقدان ایمنی کار و لاقیدی نسبت به حفظ جان کارگران به گوش میرسد و درصد بسیار کمی در رسانه ها انعکاس پیدا می کنند.

بنا به گزارش معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی تنها در سال ۱۴۰۰، ۱۹۰۰۰ کارگر بر اثر سوانح در محیط کارجان خود را از دست داده اند. بر اساس همین گزارش در سال گذشته ۲۶ هزار و ۷۴ مورد سانحه کاری به ثبت رسیده است. که بدون تردید تعدادی زیادی از این کارگران به دلیل نقایص جسمی دیگر قادر به کار نخواهند بود، از بازار کار محروم خواهند شد، آنها در شرایطی که

مرگ بر جمهوری اسلامی!

فراخوان حزب حکمتیست

در سالروز برآمد انقلابی شهریور،

علیه حجاب و آپارتاید، علیه فقر و فلاکت بپاخیزیم!

فریاد زن شورشی و آزاده، نفرت کارگر اعتصابی و به فقر محکوم شده، ضجه مادران و پدرانی که عزیزانشان را جلادان رژیم به قتل رسانده اند، اراده انقلابی نسل جدیدی که عزم کرده جمهوری اسلامی را از صفحه روزگار پاک کند؛ نفس را در سینه کاربدستان مهمترین دژ ارتجاع زمانه حبس کرده است و کلیه نیروهای واپسگرا را به تحرک واداشته است. شبخ سرنگونی بر روی تاریکخانه های اسلام در گشت و گذار است. ایران آبستن یک انقلاب عظیم اجتماعی است.

اگر میخواهید قامت بلند برآمد انقلابی شهریور را ببینید، سیمای وحشت زده جنایتکارانی را تماشا کنید که از سایه خود نیز میترسند. سرکوب و اقدامات "پیشگیرانه" نظامی را ببینید که به امتحان پس داده ترین عناصر "خودی" هم اعتماد ندارند. این نظام با هرچه دارد وارد میدان شده است اما نتوانسته است از جامعه امید رهایی، آرمان تغییر، خواست برابری و رفع تبعیض را بگیرد. دیگر بحث برسر رعایت "حجاب و عفاف" نیست، برسر بزیر کشیدن تجارتخانه دین، برسر باز شدن افق یک رنسانس ضد اسلامی، برسر نفی سلطه مهمترین پایگاه قدرت اسلام سیاسی، برسر برپائی جامعه ای نوین و یک دنیای بهتر است.

زن و مردان آزاده، کارگران و مردم زحمتکش!

آزادی امری قسمتی نیست، کلیتی است که باید متحقق شود. ارتجاع را نمیتوان کمی عقب راند یا اصلاح کرد، ارتجاع را باید به همان گورستانی فرستاد که از آن برخاسته است. آخوند و سرکوبگر و شکنجه گر نمیتوانند "به صفوف مردم ملحق شوند"، باید از آنها تماماً خلع ید کرد. جمهوری اسلامی سرمایه داران را نمیتوان تدریجاً تغییر داد، باید این نظام و قوانین اش را به زباله دان تاریخ ریخت. فقر و آدمکشی، زندان و شکنجه، ترور و تجاوز را نمیتوان تعدیل کرد، باید نظام مبتنی بر فقر و فساد و استبداد و استثمار را سرنگون کرد.

برخیزیم! سنگرها را برپا کنیم! حجاب سوزان را به نظام سوزان ارتقا دهیم! اعتراض و اعتصاب را در اشکال مختلف گسترش دهیم و ترکیب کنیم! رژیم اسلامی مدتهاست که تمام شده است، این پایان را باید با عزم انقلابی به کرسی بنشانیم! متشکل و متحد شویم! ارگانهای عمل انقلابی در سطوح مختلف ایجاد کنیم! انقلاب تنها میتواند روی دوش نیروی انقلابی با اهداف انقلابی و پراتیک انقلابی محقق شود! یاد جانبختگان و هزاران جان شیفته آزادی را گرمای بداریم! آزادی و برابری و رفاه حق ماست و تنها توسط نیروی بدست می آید که هیچ نفعی در تداوم ارتجاع در هیچ شکلی ندارد! علیه سیاست سرکوب، علیه زن کشی و زن ستیزی، علیه نکبت اسلامی، علیه فقر و فساد، علیه سرمایه داری بپاخیزیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۷ شهریور ۱۴۰۲ - ۸ سپتامبر ۲۰۲۳

شدت یگانه و شگفت‌انگیزت می‌ترسند.

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. من زندگی را با صدای تو چشیده‌ام، مهدی یراحی. تو را چیزهای زیادی به من پیوند می‌زدند. «سفر چرا بمان و پس بگیر» «این حرف و صدای تو را تنها کسی درک می‌کند که انتخاب رفتن و سفر از وطن پیش رویش بوده و اما تصمیم به ماندن و پس گرفتن گرفته است.



متن کامل نامه سپیده قلیان در رابطه با دستگیری

مهدی یراحی خواننده معروف

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. تو می‌توانستی در سمت قدرت بایستی. می‌توانستی سفیر حاکمیت باشی و در تورهای اروپایی، نمایش رنگین ایفا کنی تا سفره‌ی رنگین داشته باشی. اما تو جای دیگری ایستادی. می‌دانستی هزینه دارد و صدای ما در خوزستان شدی. می‌دانستی هزینه دارد و صدای «مظاهرات سلمیه» «زن عرب شدی. صدای سپیده رشنو در مقاومت علیه حجاب اجباری، صدای توماج، صدای کارگران، زندانیان و تمام آنانی شدی که زاده‌ی رنج‌اند. من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. من تمام خوزستان که جانم است را با صدای تو گز کرده‌ام. در زمان سیل و در زندان سپیدار با ترانه‌های تو رقصیدیم و از نو بلند شدیم. من جای تو را در قلب مردم دیدم. همان مردمی که تو و امثال تو را به جرم گفتن از رنج‌هایشان، چه از سوی دیکتاتورهای غالب و چه از سمت دیکتاتورهای مغلوب انگ «نجزیه‌طلبی» «خورده‌اند. آنها از همین مردمی بودن، بی‌شیله و پبله و حتی به غایت معمولی بودن و اما به

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



• این جنگ طبقاتی اساسا در شکل دفاع از معیشت و علیه فقر و فلاکت و در مقابل گرانی و اخراج و ستم بر کارگران و خمیر مایه بیشتر این اعتراضات و بخصوص خیزش انقلابی ۱۴۰۱ شد. در چهاردهه گذشته دهها هزار حرکت

اعتراضی و اعتصاب کارگری حول نجات سفره کارگران و علیه گرانی و فساد دولتی در مراکز کارگری، علیه دزدیدن امکانات

مادی و مالی جامعه به بهانه برنامه های اقتصادی و چپاول صندوقهای بیمه بازنشستگی که استخوانهایشان در راه سودآوری برای سرمایه خرد شده است، همگی پشتوانه مبارزاتی هستند که اکثر تحرکات اجتماعی جامعه ایران را سریعاً به شعارها و مطالباتی علیه فقر و گرانی و سختی معیشت گره می زند. خیزش انقلابی سال گذشته نمونه روشن آن بود که اعتراض به سختی معیشت را به صدر شعارهای همگانی در همه شهرها آورد، دردمشترکی که زندگی اکثریت استثمارشدگان و اقشار پایینی جامعه را به جهنم تبدیل کرده است.

بدون شک دوره های آتی برآمد توده ای، اعتراض علیه فقر و گرانی و خواست تامین معیشت با قدرت بیشتری به میدان خواهد آمد، زیرا جمهوری اسلامی با اقتصاد ورشکسته و فساد نهادینه شده و مزمن در تمام لایه های آن قادر به جوانگویی به فقر و تباهی ای که خود به جامعه تحمیل کرده است نیست. اما با اینحال تنها قطبی شدن این تحرکات حول فقر و فلاکت اقتصادی کافی نیست. طبقه کارگر باید در برآمدهای پیش رو و در شرایط تعادل قوای مناسب، سکان مبارزات مردم محروم را برای نجات جامعه از دست بربریت سرمایه داری در دست بگیرد. متحد شدن و متشکل شدن در سازمانهای توده ای شرط اولیه قدم گذاشتن در این راه و آمادگی برای ایفای نقش است. سازمانیابی حزبی و داشتن یک افق روشن و داشتن نقشه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و هدایت جنبش های اعتراضی برای نجات قطعی جامعه از فقر و مصیبت کنونی تنها بوسیله طبقه کارگر و حزب آن می تواند به انجام برسد. این وظیفه سنگین و دشوار امروز جلو پای رهبران کارگری و کمونیستها جامعه ایران است. بدون شک آینده خروش انقلابی در جامعه ایران طبقه کارگر را برای ایفای نقش فرا خواهد خواند. آنچه معلوم است جامعه آبستن تصادمات اجتماعی و طبقاتی بزرگی است که جواب دادن به فقر و فلاکت اقتصادی تنها بخشی از دستاوردهای آن خواهد بود.

کمونیسست هفتگی: بند ۴ بیانیه اشاره دارد که جمهوری اسلامی در دو جبهه اصلی نبرد طبقاتی دست به تعرض متقابل زده است، وسیعترین تعرض اقتصادی و تاراج اموال عمومی و تعرض به زنان بر تقابل با بی حجابی از سوی دیگر. در عین حال مقاومت و مبارزه و اعتصاب و اعتراض در مقابل این تعرض وجود دارد. توضیح شما و دلایل شما در این رابطه چه هست. فقر و فلاکت و تعرض به سفره کارگران چه تاثیری بر روند مبارزه آنان دارد، آیا جمهوری اسلامی موفق خواهد شد زنان را از موضع تعرضی عقب براند؟

عبداله دارابی: جاری کردن فقر و فلاکت و نا امن کردن محیط کار و زندگی جامعه ایران بعد از انقلاب ۵۷، ابتدا با سخنان بی پایه و اساس خمینی که گفت: «اقتصاد زیر بنای الاغ است» محک خورد و برای تثبیت آن نیز فقر و تنگدستی بی نظیری را بر کارگران و مردم زحمتکش جامعه تحمیل کردند. و همراه با آن هر گونه حق و حقوق زن و رادیکالیسم بدست آمده از انقلاب ۵۷ را نیز در هم کوبیدند که هم اکنون نیز وضع بر منوال همان دوره چه بسا

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات، پیشروی مبارزه انقلابی

کمونیسست هفتگی: دربند ۳ بیانیه آمده که جنبش سرنگونی و خروش انقلابی که رادیکالیسم چپ را نمایندگی می کند در دو قلمرو اجتماعی قطبی شد. یکی مسئله زن از دریچه نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و دوم تقابل با فقر و فلاکت اقتصادی که اساس جوهره سرمایه داری ایران را میسازد. در این خیزش جنبشهای اجتماعی مختلفی با خواستهای معینی شرکت دارند. این رادیکالیسم چپ چگونه در این جنبشها نمایندگی شده است. دلایل این مسئله از نظر شما چگونه است؟

همایون گدازگر: یک ستون اصلی مبارزه علیه ارتجاع اسلامی در ایران از همان روزهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی زنان بودند. از همان زمان تا امروز هم.

سرهر بزن نگاه و هر اعتراض جمعی و توده ای، چه در مقابل سرکوب وزندان و یا علیه فقر و گرانی زنان در بسیاری موارد پیشقراول این اعتراضات بوده اند. می توان گفت، نقش زنان در جنبش های اجتماعی در ایران در چند دهه گذشته تاریخ کاملاً متفاوتی را در تاریخ معاصر جهان رقم زده است، بطوریکه تاثیر گذاری آن از چهارچوب جامعه ایران فراتر رفته است و در اقصی نقاط دنیا مورد تحسین و پشتیبانی قرار گرفته است.

بنظر من نقش زنان در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ یک قدم جلو تر رفت و از محدوده دفاع از حقوق زن و علیه حجاب عبور کرد. به این معنی که دخالت زنان نه تنها بعنوان زن حقوق پایمال شده و دفاع برای مطالبه جنس خود، بلکه بعنوان پیشقراول کل خواستها و مطالبات خیزش و ایفای نقش برای رستگاری کل جامعه از دست جمهوری اسلامی و فقر و سرکوب خودنمایی کرد. به این ترتیب حجاب سوزان و دور انداختن آن اگرچه مدتی سوژه و موضوع داغ جنبش انقلابی بود، اما بهیچوجه نقش زنان در خیزش بزرگ سال قبل را نمی تواند به تنهایی توضیح بدهد. زنان و جنبش آنها یک پای ثابت و استوار خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و اتفاقاً جای امید و افتخار و یکی از نقطه قدرتهای آن بودند.

جمهوری اسلامی یکسال تمام است با نیروی امنیتی و نماز جمعه و رادیو تلویزیون و وحوش بسیجی در خیابانها علیه زنان مبارز و جسور به مقابله برخاسته است، اما کماکان دلیل و ناتوان در کنترل کردن اعتراض برحق آنان است. مسلماً دوره های بعدی برآمد خیزش انقلابی زنان انقلابی بیشتر خواهند درخشید و سهم بزرگی در بگور سپردن جمهوری اسلامی خواهند داشت. رویارویی زنان علیه جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن حتی با فروکش کردن اعتراضات توده ای و خیابانی در طی یکسال گذشته همواره و روزانه در جریان است و جمهوری اسلامی را به دلالت کشانده است. این روند همچنان ادامه دارد قطعاً در برآمدهای آینده جامعه ایران جنبش زنان کوبنده تر از پیش به مصاف ارتجاع اسلامی خواهد رفت.

اما مسئله فقر و فلاکت و جنگ برای معیشت، که بواقع یکی از عرصه های قطبی شدن خیزش انقلابی بود و هنوز هم هست، نیرو و انرژی واقعی بیشتر اعتراضات اجتماعی علیه جمهوری اسلامی بوده است. این رژیم ضد کارگر از همان روزهای اول سر کآمدن جواب بدیهی ترین خواست کارگران را با شلاق و زندان شکنجه داد و به این ترتیب رژیم سرمایه داری اسلامی کارگران را به مصاف طلبید. از آن زمان تاکنون مبارزه طبقه کارگر و مردم زحمتکش هرروزه در جریان بوده است



فله ای هم سایه هر کسی را که به کام شان خوش نیاد با تیر میزنند. ولی خلاف ادعای خود رژیم و سران و همپالکی هایشان، این دوره برای رژیم، دوره احتضار و حالت پایانی و ناپودی آن خواهد بود. چون در مقابل آنها خیل عظیم آزادیخواهان و برابری طلبان تصمیم گرفته اند تا آخر راه و تا رسیدن به خواسته‌های واقعی و انسانی شان کوتاهی نکنند. چون کارگر کمونیست و زن آزادیخواه که

با اتکا به خود در همه عرصه زندگی سر سختانه گام بر داشته اند، و همچنین جوانان مبارز در سرتا سر ایران، بجای کرنش در مقابل سیاست های رژیم از جمله (فقر و اراغ)، تقابل و مبارزه کرده اند و برای تحقق یک زندگی بهتر و بری از استثمار و ظلم و ستم و فقر و تنگدستی و کسب آزادی های بی قید و شرط سیاسی مسیر درست را انتخاب کرده اند و قاطعانه تصمیم گرفته اند چون پیکر واحد تا آخر راه کنار همدیگر بمانند و برای تحقق خواست و آرزو هایشان لحظه ای از حرکت باز نایستند و با دست خود تاریخ زندگی شان را بنویسند. این واقعیات زنده نشان میدهد این نبرد طبقاتی کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه در برابر سرمایه و دولت آدم کش اش است که دارد در برابر سرمایه و رژیم اش روز بروز خارا تر، آبدیده تر و منسجم تر میشود. و متحد و سازمان یافته تر از قبل به سمت متحقق کردن اهداف خود گام بر می دارد. اوضاع سیاسی-اقتصادی جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بجایی کشیده شده که راه برون رفت از آن به هیچ وجه قابل تصور نیست. در نتیجه، این بن بست، آشکارا فریاد میزند که بقاء و ماندگاری نظام بردگی و بندگی نظام سرمایه داری در ایران به پایان کار خود رسیده، چون جامعه را به تباهی و نابودی مطلق کشانده اند و چیزی را بنام زندگی برای اکثریت جامعه باقی نگذاشته اند. به همین خاطر، اکنون خواست سرنگون کردن بی اما اگر رژیم، در صدر خواستهای اکثریت مردم قرار گرفته و به چیزی کمتر از آن راضی و قانع نیستند. با توجه به آن، مردم مصمم هستند جانانه و قهرمانانه در محل کار و زندگی شان برای تحقق و دستیابی به این خواست انقلابی مبارزه کنند و بجنگند.

در عین حال اپوزیسیون راست پرو غرب، بی بی سی، اصلاح طلبان و مفسرین سیاسی و... در این رابطه همان صحبت‌های رژیم را نشخوار میکنند و میگویند: این رژیم ساقط نمیشود و پا بر جا میماند. چون منافع فردی و طبقاتی شان اجازه نمیدهد که سقوط یک رژیم مرتجع کپک زده سرمایه داری را با چشم خود ببینند. این تمایل و آرزو، یک واقعیت انکار ناپذیر دنیای امروز نظام سرمایه داری است که در صحنه سیاست ایران نیز جاری است. این طیف با آنکه آشکارا می دانند که، هیچ تحرک و احساس ای حتی برای ترمیم و اصلاح در درون سیستم سرمایه داری باقی نمانده است، باز از راه گوناگون با سقوط دولتهایشان مخالفت میکنند و همواره در جهت تقویت و ماندگاری و طول عمر بیشتر آنها گام بر میدارند.

با توجه به نکات فوق، حزب کمونیست کارگری ایران-جکمتیست، فرا خوانش برای ارج نهادن از سالروز مهسا عزیز، فوکوس کردن رو دو محور (فقر و فلاکت و امر آزادیخواهانه زنان مبارز) باشد که شامل حال اکثریت قاطع جامعه است. چون تا کنون پرچم چنین خواسته‌های همواره در دست جنبش سرنگونی طلب و آزادیخواهان بویژه کارگران، زنان و جوانان قرار داشته که باید تا رسیدن به آن از آن کوتاهی نشود. مضاف بر آن، در همین راستا، ضروریست برای هموار کردن راه سرنگون کردن رژیم، امرهایی زنان و آزادی زندانیان سیاسی و... پرچم طبقاتی خودمان در حالت اهتزاز و حرکت کردن نگهداریم.

کمونیست هفتگی: در بند پنجم بیانیه حزب آمده که دوره اخیر تجارب مهی داشته است که جامعه را بیش از پیش پولاریزه می کند. کارنامه و عملکرد اپوزیسیون راست با روند انقلابی همخوانی ندارد و از تجربه و آگاهی و هوشیاری یک جامعه در حال تحول خیر

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات، پیشروی مبارزه انقلابی

گسترده تر و خانمانسوز تر از آن ادامه دارد. رژیم جمهوری اسلامی در همان بدو کار تا کنون، با دو خصایص بارز و لایتجزای خود همانا (فقر و اراغ)، ظاهر شده که کاربرد هر دوی آنها در حکم بقاء حاکمیت و ماندگار بودن آن جا دارد نه چیزی دیگر. چون هر گاه یکی از این خصایص از رژیم سلب شود بلادرنگ تناسب قوا به نفع مردم تغییر خواهد کرد و راه برای پایین کشیدن آن از اریکه قدرت هموار میشود و به زبانه دانی تاریخ ریخته خواهند شد. مهر تأیید و حمایت بالایی ها (کشور های امپریالیستی) از این رژیم، اساسا بخاطر دارا بودن و برخورداری آن از همین خصلت هاست که همواره برای بقا و ماندگاری خود از آن بهره گرفته و میگیرند. اگر چنین نمیبود بی تردید مورد تأیید و حمایت بالایی ها قرار نمی گرفت. و جایگزین کردنش بجای رژیم قبلی هم عملا مورد قبول واقع نمی شد. اینجا حق با منصور حکمت بود که بسیار روشن و بی پرده اعلام کرد که، رژیم جمهوری اسلامی، ادامه دهنده راه و سیاستهای رژیم قبلی است. الان همه واضح و بی تبصره از زبان خود سلطنت باقیمانده از جمله رضا پهلوی می شنوند، که به زعم آن سپاه پاسداران دست ساز و آدمکش جمهوری اسلامی، محافظین آینده ایران بعد از سقوط این رژیم می باشد. به همین خاطر بود که خصلت های ذاتی نهفته بر پیکر منحوس این رژیم، باعث گشت که مورد حمایت بی دریغ بالایی ها قرار بگیرد و با دادن چک سفید به آن، ۴۴ سال زمام داری خود را بیوقفه و تمام و کمال باتداوم و گسترش (فقر و اراغ) در جامعه به کار ببندد و بدون ترس و واهامه آنرا بصورت روزمره تو سر و کله اکثریت مردم کارگر و زحمتکش جامعه بکوبد. همراه با آن، تورم و گرانی افسار گسیخته و حیف و میل کردن اموال مردم و فساد و رشوه خواری و... را در تمام سطوح اداری دولت گسترش دهد و بدینوسیله جامعه را به میدان اعتیاد و سپس یک جهنم سوزان برای مردم سوق دهد.

ولی علیرغم همه اینها، از قراین پیداست که کارایی دو سیاست فوکوس شده و همیشگی رژیم، به سان گذشته باقی نمانده و کارایی قبلی خود را از دست داده است، و نتوانستند کارگران و زنان آزادیخواه و نسل جوان امروز را از دستیابی به خواسته‌های برحق شان همانا سرنگونی رژیم و دستیابی به آزادی، برابری، و رفاه و خوشبختی و... بازدارند. چون قاطعانه در مقابل شان ایستادند و تا امروز رژیم را در امر احقاق حق زن، از جمله حجاب و سنگسار کردن و... به عقب رانده اند و بدینوسیله از قوانین ارتجاعی و پوسیده آن عبور کرده و براساس آن، یک شرایط دو فاکتو نا نوشته را در سراسر ایران به رژیم تحمیل کرده اند. باز گرداندن مجدد نیرو های سرکوبگر امتحان پس داده و شکست خورده بسیجی ها و خواهر زینب ها بمیدان جنگ، و هارت و پورت کردنهای سران رژیم در وصف آنها هم نه تنها راه گشا و تعیین کننده نیست بلکه یک شکست مفتضحانه دیگری بر کارنامه سیاه آنها اضافه خواهد شد. چون آزموده را آزمودن خطاست، و در برابر موج خروشان بیش از پیش مردم جان به لب رسیده و کارازموده تر دوام نخواهند آورد و مفتضحانه تر از قبل رسوا و بی آبرو خواهند شد.

اما آنچه که در عالم واقع اتفاق افتاده و هیچ وقت در مخیله بیمار گونه سران رژیم قابل تصور نبود، پولاریزه و قطب بندی شدن جامعه ایران است که در صحنه سیاست امروز ایران، آشکارا نشو و نما یافته و جنگ کنونی را به نبرد اصلی و تعیین کننده بین کار و سرمایه تبدیل کرده است. برجستگی این امر آنچنان خود را نشان میدهد که، آشکارا حال و هوای فکری و سرخوشی و نشاط گذشته سران رژیم را در هم ریخته است. انعکاس این تغییر و تحول دگرگون کننده، آنها را چنان برآشفته و بی اعتماد کرده که، از سایه خود هم میترسند و به صورت



داشتند. اما سازماندهندگان مبتکر و زنان و نسل جوان متفکر از حجاب و تبعیض جنسیتی و مردم جان به لب رسیده از دست فقر و گرسنگی و حاکمیت جمهوری اسلامی توجهی به پمپاژ خرافه های ملی گرایانه و تعصبات تفرقه افکنانه نداشتند. خوشبختانه این ترندها و شعارهای ارتجاعی جایی در بطن جنبش بپاخاسته و رادیکال در جامعه پیدا نکردند. هیچ جا دغدغه شرکت کنندگان صدها هزار نفره و سازماندهندگان رادیکال این مبارزات مباحث و شعارهای ارتجاعی مثل "تمامیت ارضی و فدرالیسم و مسئله آب و خاک و سرزمین" و یا رقابت بر سر احیای نظم آبروباخته و سرنگون شده "سلطنتی و یا جمهوری پارلمانی ادعایی جریانات متفرقه جمهوریخواه" نبود. خیزش انقلابی یکساله گذشته اساساً با تعرض به آپارتاید جنسیتی و نمادان حجاب و خواست حقوق برابر زن و مرد و با مبارزه علیه فقر و گرانی و گرسنگی و تبعیض و نابرابری و برای تامین معیشت و رفاه و آزادی و برابری و تامین حقوق انسانی شهروندان به میدان آمد. شعارهای "نه روسری، نه توسری، آزادی و برابری" و یا "آزادی، رفاه، برابری و زنده باد اداره شورایی" تنها چند مورد از نمادهای برجسته و خاص این خیزش انقلابی است که با خصومت قطب راست روبرو شدند.

جریانات راست در ماههای آغاز خیزش انقلابی با تمکین در قبال قدرت این اعتراضات کوبنده، متکی به رسانه های فارسی زبان پربیننده و اندک توجه محافل پارلمانی کشورهای غربی و سازماندهی یکسری متینگهای پرجمعیت موج سواری کردند و در محاسبات غلط خود مسئله تامین "رهبری جنبش" را در سر میپوراندند. آنها چنان در اوامات خود غرق بودند، نمی فهمیدند زنان و نسل جوان و کارگران و معلمان و اردوی کار و بخشهای وسیع مردم تحت فشار و استثمار و ستم یعنی نیروی مبتکر و فعال جنبشهای اعتراضی رادیکال با شفافیت بالایی تمایز بین خواسته ها و حقوق انسانی و آزادیخواهانه خود با ادعاها و اهداف جریانات مختلف راست اعم از مشروطه طلب و جمهوریخواه و فدرالیست و جریانات مذهبی و سلفی از جمله در بلوچستان را متوجه اند. در نتیجه گول شعبده بازی دروغین "اتحاد اتحاد" جریانات راست و یا شعار راست روانه "همه باهمی" چپ پوپولیست و درس نگرفته از تجربه تلخ انقلاب ۵۷ را نخوردند.

بخش عمده اهداف اعلام شده از درون جامعه و خیزش انقلابی خواسته های رادیکال و انقلابی زنان و مردان آزادیخواه و نسل جوان پرشور بیگانه با اهداف و خواسته های جریانات راست بود. به طور مشخص طرح دو منشور رادیکال و چپ اولی به نام "منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی" و دومی به نام "منشور آزادی، رفاه و برابری" هر دو از داخل دقیقاً متمایز و متفاوت از پلاتفرمهای کنفرانسها و سمینارهای مختلف طیف راست اعم از شاخه های متفرقه جمهوریخواهان و یا "منشور مهسای" ائتلاف فروپاشیده "کنفرانس جرج تاون" گردهم آمده عناصر بیمایه سلطنت طلب و فدرالیست و سلبریتی های نان به نرخ روز خور بود. بر بستر چنین خود آگاهی است برای نمونه شعار "مرگ برستمگر چه شاه باشه، چه رهبر" از درون جامعه برجسته میشود. به علاوه در یک مشاهده ساده در این دوره می بینیم، ائتلاف ناهمگون مشروطه خواه و جمهوریخواه امثال شورای مدیریت گذار منحل شد. کنفرانس جرج تاون تمامیت ارضی طلبان و فدرالیستها و سلبریتی ها به شکست انجامید. مرکز همکاری جریانات فدرالیست کرد از هم گسیخت و در کشمکش درونی از همدیگر کشتند. علت اصلی شکست و ناکامی پروژه های طیف مختلف جریانات راست در این دوره این واقعیت است که پاسخ رد از خیزش انقلابی در داخل گرفتند. لذا هیاهوی ماههای آغازین آنها با استفاده از رسانه های متنوع و پربیننده و نان به نرخ روز خور، و اتکابشان به پول و امکانات و حمایت های اولیه محافل پارلمانی و دست راستی در کشورهای غربی به گل نشست. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، جریانات راست بازنده مهم این دوره اند. به جای همگامی و نزدیکی دچار تفرقه شدند. با این وجود جست و خیز اپوزیسیون راست را نباید دست کم گرفت.

دستاوردهای مهم دیگر پولاریزه شدن بیشتر صف بندیهای

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات، پیشروی مبارزه انقلابی

می دهد. توضیح شما در این رابطه چیست؟ چرا روند جامعه با اهداف اپوزیسیون راست همخوانی ندارد و دلایل شکست سیاستهای جنبش راست در این دوره چه هستند؟

رحمان حسین زاده: علت ناهمخوانی اهداف اپوزیسیون بورژوازی و راست ایران با روند انقلابی در جامعه ریشه در تقابل افق و سیاست و عملکرد این جریانات با تحولات انقلابی و به طور مشخص خیزش انقلابی در این دوره دارد. این واقعیت صرفاً ادعای ما کمونیستها نیست. بلکه در ابعاد اجتماعی و در جریان خروش انقلابی این دوره مردم و آزادیخواهان خواستار تغییرات اساسی بیگانگی و ضدیت سیاست و پراکتیک جریانات راست را با اهداف و شعارها و خواسته های خودشان در همین مبارزات جاری تجربه کردند. بگذارید صرفاً به جنبه تحلیلی مسئله خود را محدود نکنیم، بلکه با یادآوری موارد شفاف از سیاست و عملکرد ارتجاعی آنها نحوه مقابله و مانع تراشیهای قطب راست را با خیزش انقلابی جاری نشان دهیم. از جمله اولین خصلت برجسته خروش انقلابی شهریور سال گذشته، ابراز وجود مبارزاتی همبسته در ابعاد سراسری به دور از تفرقه ملی و قومی و مذهبی علیه قتل مهسا امینی و برای اهداف آزادیخواهانه بود. درست در آن فضای مبارزاتی ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کرد هر کدام به سهم خود میخواستند رنگ ملی و ناسیونالیستی به آن اعتراضات بپاشند و لاجرم بر اساس آن تفرقه و جدایی میان مبارزات سراسری ایران و کردستان ایجاد کنند.

برخلاف تحرک آنها اما بعد از اعلام رسمی قتل مهسا امینی در همان شب به فوریت اعتراضات از جلو بیمارستان کسرا در تهران شروع شد و فردای آن روز با متینگ هزاران نفره با شکوه آرامستان آچی در سقز ادامه پیدا کرد. این روند اعتراضی بسرعت به دیگر شهرها در کردستان و سراسر کشور کشیده شد. واقعیت همبستگی سیاسی و مبارزاتی درخشان توده مردم دست رد محکمی بود به تفرقه افکنیهای ناسیونالیسم ایرانی که تحت لوای "مهسا دختر ایران" و ناسیونالیسم کرد تحت نام "ژینا دختر کرد" میخواستند شکاف و تفرقه را در صفوف اعتراضات ایجاد کنند. با خرسندی باید گفت که موفق نشدند. در این رابطه جا دارد اهمیت "درد دل" نامه مادر مهسا امینی (مژگان افتخاری) را یادآور شویم که به مناسبت چهلمین روز درگذشت دختر دلبندهش در جایی از آن نوشته بود، "دخترم امروز شما به جهان تعلق داری، نامت در دنیا صدا زده میشود". این نامه پر احساس مادر رنج دیده مهسا به سهم خود خلاف بهره برداریهای ناسیونالیسم کرد و ایرانی از این فاجعه بود. طبعاً سمپاشیهای راستها در مقابل مختصات مترقیانه و شعارها و خصلتهای آزادیخواهانه و رادیکال خیزش انقلابی ابعاد متنوعی داشت. مورد دیگر دیدیم جریانات راست مردسالار و شوونیست ایرانی در مقابل شعار مثبت و مترقی "زن، زندگی، آزادی" شعار ارتجاعی و عقب مانده "مرد، میهن، آبادی" را علم کردند. در سرود و آهنگ هم گنجاندند. البته این شعار ارتجاعی انزجار آزادیخواهان را برانگیخت و به درجه قابل توجهی افشاء شد.

در ترفند دیگری ناسیونالیسم عظمت طلب ایران با شعار پوسیده و نخ نمای "تمامیت ارضی و تکرار ادعای طلبی علیه بخشی از اپوزیسیون" و در طرف مقابل ناسیونالیسم کرد با شعار و خواست ارتجاعی "فدرالیسم" بازدن شکاف ملی و قصد تحمیل سیاستهای ارتجاعی و عقب مانده را به جنبش سرنگونی و خروش انقلابی

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

سیاسی و اجتماعی در جریان جنبش اخیر و شفافیت سیاسی ماحصل آن است. این پدیده در جبهه بندی عمیق تر راست و چپ و در صف آرابی متمایز اپوزیسیون راست و چپ خود را نشان داد. این روند مثبت بر اساس منافع طبقاتی و سیاسی متفاوت و متضاد جنبشهای متفاوت و در سطح ماکروی سیاسی در تقابل بین جنبش راست و چپ خود را نشان داد. بار دیگر این حقیقت بنیادی حکم راند که جامعه ایران مثل همه جوامع کاپیتالیستی صحنه

کشمکش جنبشهای طبقاتی و سیاسی متفاوت است. معلوم بود، تبلیغ راست گرایانه "همه باهمی" حتی در جنبش سرنگونی همگانی نمیتواند سیاست و تاکتیک این جنبشهای متفاوت را یکی کند و یک ترفند دروغین و گمراه کننده پیش نیست. در نتیجه نفس این تمایز و تفاوت به وجود آمده در صحنه مبارزه جاری و ترکیدن حباب "همه باهمی" یک گام مهم در جهت انتخاب سیاسی آگاهانه توده مردم در میان آلترناتیو راست و چپ و پیشروی مهمی به نفع آلترناتیو چپ و سوسیالیستی است.

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برگزار شد

روزهای شنبه و یکشنبه ۲ و ۳ سپتامبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۱ و ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی برگزار شد.

دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی ۲- اوضاع سیاسی ایران در آستانه سالروز برآمد انقلابی شهریور ۳- اوضاع جهان: موقعیت دو قطب متضاد کار و سرمایه در قرن بیست و یکم ۴- مسائل جدید در کردستان، سیاست ما در باره خلع سلاح احزاب مسلح در کردستان عراق ۵- طرح تشکیلات خارج کشور و برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج حزب ۶- تعیین تاریخ و تدارک سیاسی پلنوم ۴۷ حزب ۷- موازین همکاری با نشریه حزب ۸- قرار و قطعنامه ۹- انتخابات.

در دستور گزارش سیاسی و تشکیلاتی، رئیس دفتر سیاسی، دبیر اجرایی، دبیران کمیته های سازمانده، کردستان، خارج، تبلیغات حزب و مالی، خطوط سیاستها و اقدامات حزب را به نشست دفتر سیاسی ارائه کردند و در ادامه نشست با بررسی و اظهار نظر راجع به نقاط قوت و ضعف بحث کرد و نکاتی را در دستور کار رهبری حزب قرار داد.

دستور اوضاع سیاسی در چهارچوب بیانیه اخیر حزب و روند پیش رو توسط سیاوش دانشور و همایون گدازگر به نشست ارائه شد. دفتر سیاسی ضمن هم جبهتی بالا روی جنبه های تاکتیکی و اقدامات حزب نکات ضرور را تاکید کرد.

دستور اوضاع جهان: موقعیت دو قطب متضاد کار و سرمایه در قرن بیست و یکم، توسط رحمان حسین زاده و ناصر مرادی ارائه شد. دفتر سیاسی ضمن استقبال از خطوط بحث و اظهار نظر در این زمینه بر بحث بیشتر برای نشست کمیته مرکزی تاکید کرد.

دستور مسائل جدید در کردستان و سیاست ما در باره خلع سلاح احزاب مسلح در کردستان عراق، توسط صالح سرداری و عبدالله داری ارائه شد و طی آن خطوط سیاست حزب و اهداف سیاست جمهوری اسلامی و دولت های منطقه مورد بحث قرار گرفت.

دستور طرح تشکیلات خارج کشور و برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج حزب توسط نادر شریفی ارائه شد و نشست ضمن بحث روی نکات گری بر برگزاری کنفرانس در اسرع وقت و آماده شدن بیشتر تشکیلات خارج تاکید کرد.

دستور پلنوم توسط ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی ارائه شد و طی آن تاریخ پلنوم ۴۷ حزب تعیین و تدارک سیاسی آن به دفتر سیاسی و هیئت اجرایی حزب واگذار شد.

دستور درخواست همکاری رفقای غیر حزبی با نشریه کمونیست، دفتر سیاسی ضمن استقبال، موازین و چهارچوب کار و وظیفه سردبیری را در این رابطه مورد بررسی قرار داد.

پاره ای از مسائل تشکیلاتی و اجرایی نیز بررسی و تصمیم لازم در مورد آنها توسط دفتر سیاسی صورت گرفت.

در دستور انتخابات برای رئیس دفتر سیاسی، سیاوش دانشور باتفاق آرا و در انتخابات اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی رحمان حسین زاده، همایون گدازگر، سعید یگانه، عبدالله داری و صالح سرداری باتفاق آرا به عضویت هیئت اجرایی انتخاب شدند. در اولین جلسه هیئت اجرایی همایون گدازگر باتفاق آرا بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ شهریور ۱۴۰۲ - ۸ سپتامبر ۲۰۲۳

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

دنیای وارونه، شکایت زندان بان از زندانی

سیاوش دانشور



گر و کتک زن و فحاش و لمین ادای "مادر ترزا" را درمیآورد و جعفر ابراهیمی بیمار و کامیار فکور نقش "دیو" داستان را دارند، لابد دادسرای اوین هم "میعادگاه فرشتگان" است که باید در آن "عدالت و رستگاری" را جستجو کرد!

براستی زبان فارسی از بیان کراهت شماها عاجز است، ادبیات جاری همینطور. ببینید "عطوفت اسلام ناب

محمدی و عدل علی" چه محصولات لجنی ببار آورده است! آمنه سادات ها از نوع علنی این سناریوی پرونده سازی اند.

میدانیم ترسیده اید، میدانیم که آرام و قرار ندارید، میدانیم از اسیر و زندانی هم میترسید، میدانیم، همه چیز را میدانیم. فقط یک چیز میماند، زیاد طول نخواهد کشید، جاها عوض میشود، اینبار شماها هستید که پشت میله ها هستید و در دادگاه جوابگوی جنایت بیوقه اسلامی!

۶ سپتامبر ۲۰۲۳



آقای عرفان کرم ویسی وکیل خبر داده است که برای موکلین وی آقایان جعفر ابراهیمی و کامیار فکور پرونده های جدیدی در شعبه ۳ بازپرسی دادسرای اوین ثبت شده است. عجیب به نظر میرسد اما واقعی و واقعی است. اداره کل زندانهای استان تهران، لابد بدستور بازجویان و مقامات قوه قضاییه، در تداوم سیاست پرونده سازی از زندانیان سیاسی شکایت کرده است.

اتهامات: ۱- اخلال در نظم و آسایش عمومی ۲- توهین به مقامات و مامورین زندان.

تصور کنید زندانبان اوین چقدر باید گوگولی مگولی باشد، چقدر در فکر آسایش عمومی زندانبان باشد که زندانبانی مثل جعفر ابراهیمی و کامیار فکور در این "نظم و آسایش" اخلال کرده باشند و زندانبان به این دلیل بدرگاه "عدالتخانه اوین" شکایت برده است!

وقتی میگویم این دنیا وارونه است و برسر ایستاده است و باید روی پایش بایستد، شعار نمیدهیم بلکه به واقعیتی اشاره داریم که در تار و پود زندگی اجتماعی ما عجین شده است. اوین تاریخی خونین از توحش دارد که در تصور خیلی ها نمی گنجد. پیشکسوتان این حضرات امثال لاجوردی جلاد و کوچوی ها هستند. جایی که در دخمه ها و شکنجه گاه هایش بسیاری بقول داوود رحمانی عمودی وارد شدند و افقی بیرون آورده شدند. جایی که زمانی فاصله زندگی و مرگ ساعاتی بیش نبود.

توهین به مقامات و مامور زندان! وقتی مامور و مقام زندان یعنی شکنجه

خیزش ۱۴۰۱-۱۴۰۲ آغاز یک پایان!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱-۱۴۰۲

بخش هشتم و قسمت پایانی: میان ما و شما یک دریا خون است!
پروین کابلی

اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی تاریخ انتشار ۴ شهریور ۱۴۰۲»

سال گذشته، سال ۱۴۰۱ در چنین روزهایی خانواده ی امینی در سفری تابستانی ولی سرنوشت ساز بسر می بردند. سفری که با جانباختن فرزند دلبندهشان ژینا مهسا امینی خشم و نفرت مردم به مانند آتشفشانی فوران کرد و نه تنها ایران را وارد تحولات جدی نمود، بلکه جهان را با جنبشی زن محور، ضد اسلامی، آوانگارد شوکه نمود. باید دید ایتکار و عمل سیاسی طبقه کارگر سوسیالیست چگونه میتواند برای رهبری و یکسره کردن قدرت در دوره آتی خود را آماده کند؟ ما معتقدیم که این شانس وجود دارد.

پایان

و در آخر چند نکته!

۱- خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را نباید در خود و تنها مورد بررسی قرار داد. برای بازنگری و ثبت تاریخی منصفانه از خیزش ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ نیاز به بررسی بسیار دقیق تری است. بررسی که بتواند همه ی جنبه های این حرکت تاریخی را نشان دهد. کاری که در این سری مقالات، که بیشتر تامل های شخصی من است بر نمی آید و چنین ادعایی هم هدف این نوشته نبوده است. تاریخ جهان امروز، ساخته و پرداخته ی طبقات حاکم هست تا بتوانند نظم موجود را همیشگی و ابدی نشان دهند. از هم اکنون همین تاریخ زنده را نیز آنطور که میخواهند ترسیم می

کنند. در هنگام جستجو برای روزشماری و حوادث خیزش ۱۴۰۱ متوجه شدم که بسیاری از شعارهای رادیکال که خواستهای طبقات زحمتکش و آلترناتیو آنها را مطرح می کند یا درمیدیای بستر رسمی و ویکیدیا به دشواری می توان یافت.

۲- منابع این هشت نوشته عمدتاً از پست های اینستاگرام، توئیتر و فیسبوکی شخصی و همچنین نشریه کمونست هفتگی ارگان رسمی حزب حکمتیست، ویکیدیا و رسانه ها دولتی گرفته شده است.

۳- این یک نوشته بیطرف نیست.



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



بودند در میان راه دستگیر شدند.

اشکال جدید از مقاومت در میان زندانیان سیاسی و یا کسانی که به دادگاه احضار میشوند شکل گرفت. آتنا فرقدانی حاضر به دادن وثیقه نمیشود و به زندان منتقل شد. عاتکه رجبی از ابزار پشیمانی خودداری کرد و زیر هیچ عفونامه ای را امضا نکرد و به زندان رفت. جنازه ی سپیده فراهان فعال سیاسی و از دستگیرشدگان آبان ۹۸ در خانه اش پیدا شد.

مراسم تولد ده سالگی کیان پیرفلک با تعرض ماموران رژیم به خون کشیده شد. یک مامور پلیس کشته و پسرعموی ماه منیرمولایی مادر کیان بنام پویا مولایی راد به قتل رسید. ایذه محاصره شد و جوامینیتی شدیدی در شهر برقرار کردند.

از فروردین تا اواخر خرداد دانشگاه ها در اعتراض بسر بردند. دستگیری، ممنوع الورد کردن دانشجویان، دزدیدن و ناپدید شدن دانشجویان مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت. اعتراض در دانشگاه هنر دانشگاه تهران به قوانین آپارتاید جنسی و مقننه اجباری بالا گرفت و مامورین حفاظت دانشگاه از ورود دانشجویان بی حجاب جلوگیری کردند. رئیس دانشگاه هنر دانشگاه تهران بعد از کف چرانی تهدید کنان گفت: «با دوشکا میزنیم.» «بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر با عنوان «میان ما و شما دریایی خون فاصله داست، ما، که حالا نزدیک یک سالی می شود که» «ما» شده ایم هیچ حرفی با شما نداریم الی یک کلمه: نه، دوباره تاکید می کنیم که چیزی به عقب بر نمی گردد. این آسمان حتی بعد از تمام ستاره هایی که هر روز به زمین کشیده آید، هنوز غرق ستاره ست. از زخمی که شهریور دهن باز کرد هنوز خون می چکد و ما ایستاده ایم، دست در دست هم، برای آزادی.» «همین مصطفایی زندانی سیاسی در شهر سنندج اعدام شد. سامان یاسین جانس در خطر است و در زندان مرخص شده است.

سال تحصیلی در حال تمام شدن است. بیاد سارینا اسماعیل زاده رفقاییش در روی تابلوی کلاس نوشتند: «امسال تموم شد بدون تو و کلی خاطره مزخرف با این کلاس. کلاسی که پر از درد سختی بود.»

سپیده قلیان به دوسال زندان برای توهین به خامنه ای محکوم شد و برای رسیدگی به شکایت آمنه سادات ذبیح پور به دادگاه احضار میشود، اما از حضور در دادگاه امتناع میکند. بعد از مدتی قوه قضایه اعلام کرد که دادگاه سپیده علنی برگزار میشود اما بدلیل اینکه سپیده بدون حجاب در دادگاه شرکت میکند این دادگاه هم لغو شد. مدتی بعد بالاخره دادگاه غیر علنی برگزار گردید و این دادگاه هم به میدان اعتراض سپیده تبدیل شد.

در ۲۸ خرداد دادگاه توماج صالحی در پشت درهای بسته برگزار شد. در ۱۴ تیرماه خیرگزاری تسنیم وابسته به سپاه اعلام نمود که توماج به حبس ابد محکوم شده است. چند روز بعد حکم دادگاه که توماج را به ۶ سال و سه ماه زندان محکوم کرده بود اعلام شد. دادگاه عباس دریس از شاهدان قتل عام نیزار ماهشهر در آبان ۹۸ او را به مرگ محکوم کردند. همسرش در همان ماههای بعد از دستگیری عباس تحت فشارهای روحی ناشی از دستگیری سخته کرده و میمیرد. کمپین های وسیع در حمایت از حکم عباس دریس قوه قضاییه را به عقب نشینی وارد کرد و حکم او به حبس ابد تخفیف یافت.

خیابانهای شهرهای کوچک و بزرگ ایران همچنان میدانهای نبرد زنان بی حجاب است. گشت های حجاب و عفاف همه جا با ماشین های پلیس و موتورسوارها در خیابانها مستقر هستند. محمد صادقی بازیگر هنگام پخش یک لایو اینستاگرامی دستگیر شد. سلفی های مرتجع از گور برخاسته در شهرهای سنندج و سقز جنایت کردند. ۲۹ تیرماه کریم قوامی هنرمند و بازیگر تئاتر و چهره ی خوش نام مردم شهر سنندج را به بهانه ارتداد و کفر در منزلش توسط سلفی ها به قتل رسید. در ۴ مردادماه فاروق رشیدی در شهر سقز را نیز به قتل رساندند.

در هشتم مرداد صدای اعتراض مردم روستای آق دره از توابع

صفحه ۱۰

خیزش ۱۴۰۱-۱۴۰۲ آغاز یک پایان!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱-۱۴۰۲

بخش هشتم و قسمت پایانی: میان ما و شما یک دریا خون است!

پروین کابلی

علیرغم اینکه اعتراضات خیابانی فروکش کرد اما جامعه ایران وارد یک دورانی شد که موافق و مخالف براین امر واقف بوده و هستند که مردم ایران به قبل از این خیزش بازخواهد گشت. روانشناسی اجتماعی جامعه تغییرات مهمی نموده و (ما و شما)، (ما و آنها) مفاهیم و معنای واقعی هستند که رابطه پایینی ها و بالایی ها را تعریف می کند. از گوشه و کنار ایران اخبار مقاومت زنان و جانبازان جوانان در زندانها و بیمارستانها منتشر میشود. رئیسی اعتراف می کند که بیش از ۸۰ هزار نفر بازداشتی در محل های مختلف نگهداری میشوند.

طرح های زنگ زده ی سرکوبگرانه رژیم با بی اعتنایی زنان یکی بعد از دیگری به زیاله دانی انداخته شدند. زنان بیش از گذشته بدون حجاب در مکانهای عمومی ظاهرا شده و مقاومت فردی و گروهی با نیروهای سرکوب رژیم ادامه دارد. از سال ۱۳۸۴ دولت ایران رسماً بارها با اقدام به آوردن طرح های مختلف علیه بی حجابی تلاش نموده که جنبش برای آزادی زن را منکوب کند، اما شکست خورده و ناچار به عقب نشینی شده است. در فروردین ماه ۱۴۰۲ قانون «عفاف و طرح رفع ناهنجاری های اجتماعی» توسط احمد رادان فرمانده کل انتظامی کشور اعلام شد. طبق این طرح قرار بود بی حجاب ها دستگیر و مجازات شوند و ستادهای امر به معرف و نهی از منکر اماکن عمومی، مجتمع های تجاری و مراکز خدمات اجتماعی را که ناقض مقررات حجاب و عفاف هستند بسته و خلافاکاران به دادگاه ارجاع داده شوند. روزها و هفته های بعد نشان داد که این قانون و مجریان قانونی آن با مقاومت زنان روبرو هستند.

در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ سه انقلابی مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی بدار آویخته شدند. مردم اصفهان که روزها در مقابل زندان تجمع کرده بودند را با وعده ی (اعدام نمی کنیم) به خانه هایشان فرستادند. اعدام این سه انقلابی خشم مردم را در اصفهان برانگیخت. در ۳۰ اردیبهشت در اعتراض به احکام اعدام، در دانشگاه بهشتی اعتراضات وسیعی صورت گرفت. در زندان زاهدان ملاقات شش نفر از زندانیان که در جریان اعتراضات زاهدان دستگیر و به اعدام محکوم شده بودند، محدود شد و محمد قبادلو همچنان در خطر اعدام قرار داشت. نسرين جوادی از فعالین کارگری بدلیل عدم رسیدگی پزشکی جانس در خطر قرار گرفته و سپیده ی رشتو در هفتم خرداد برای اتهام انتسابی به دادگاه احضار شد. در مرداد ۱۴۰۲ وحید افکاری برادر نوید افکاری ۱۰۰۰ روز را در حبس انفرادی را گذارنده بود. وحید افکاری هنگام ملاقات از پشت میله ها روی کاغذی کوچک نوشت: «آینده از آن ترسوها نیست» و دختر جوانی با یک سوال روی نت نوشت: «اگر بدون حجاب پریم تو امام زاده ها، اونجا را هم پلمپ می کنند؟». «مغازه ها و هتل ها، رستوران و کافه شاپ هایی که به زنان بی حجاب خدمات عرصه می کردند یکی بعد از دیگری بسته شدند. در این دوران پراز التهاب، پرستوی شهبازی زن جوان ۱۸ ساله اهل دهگلان را که در ۱۲ سالگی به اجبار به عقد مردی درآمده بود و فرزندی ۱۸ ماه داشت بدست همسرش بقتل می رسید. در ۲۰ خرداد خانواده ی جانبازان شهرهای سنندج، دهگلان، کامیاران که برای پشتیبانی از خانواده مهسا امینی به شهر سقز سفر کرده

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

خیزش ۱۴۰۱-۱۴۰۲ آغاز یک پایان!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱-۱۴۰۲

بخش هشتم و قسمت پایانی: میان ما و شما یک دریا خون است!

پروین کابلی

تکاب در همه جا پیچد. از سهم طلای آق دره فقط سیانور، آلودگی زمین های کشاورزی و بیکاری نصیب مردم شده است. در این اعتراض تعدادی از کارگران و خانواده هایشان زخمی و دستگیر شدند. آنچه در آق دره اتفاق افتاد سندی بر جنایات نظم سرمایه داری در دوران ماست.

هر چه به سالگرد قتل مهسا امینی نزدیکتر می شویم دستگیریها گسترش بیشتری میابد. خانواده های جانباختگان با تهدید، آدم ربایی روبرو میشوند. تعدادی از خانواده ها را جمعی دستگیر و به نقاط نامعلوم منتقل کرده اند. در میان دستگیر شدگان از کودکان تا افراد مسن خانواده های دغدداران وجود دارند. ماشاله کرمی پدر انقلابیون اعدامی محمد مهدی کرمی و محمد حسینی دستگیر و هنوز خبری از او نیست. جان دستگیرشدگان اکباتان در خطر است. ۳۹ نفری که دستگیر شده اند به ادعای وزارت کشور «یکی از شبکه های مخالف جمهوری اسلامی هستند».

با نزدیک شدن به مرداد و شهریور ۱۴۰۲ جامعه وارد دوره ای از انتظار و آمادگی میشود. روزها به مانند عقربه های یک بمب ساعتی در حرکت است. اگر از بالا به جامعه ایران نگاه کنیم دو صف را در مقابل هم می بینیم. در یکطرف مردم و در راس آنها زنان و جوانان و کارگران و معلمان و در طرف مقابل یک رژیم تا دندان مسلح، اما بشدت مستاصل از تهاجم مردم در مقابل هم قرار گرفته اند. دره ای عمیقی در مقابل این دو صف دهان باز کرده است. کدام طرف این دو متخاصم در این دره سقوط خواهند کرد؟ ما یا آنها؟ این اوضاع به کجا خواهد رفت؟ چرا زنان که وجه مشخصه و کاراکتر این خیزش هستند چنین جایگاهی به خود گرفتند؟ معنای این ویژگی را در این جدال عظیم چگونه میتوان ارزیابی کرد؟

برای جواب دادن به این سوالات باید سیراتفاقات، شعارها، تاریخ خیزش ها و اعتراضات سالهای گذشته و آغاز سال ۱۴۰۱ را نگاه کرد. آنچه که در ایران اتفاق افتاد تداوم و اعتراض نسلی بود که به هیچ چیزی غیر از برابری کامل میان زن و مرد، آزادیهای فردی، کوتاه کردن دست مذهب و ارتجاع از زندگی شخصی و اجتماعی و پایان دادن به قوانین آپارتاید جنسی نیست. نسلی که انقلابیگری چپ و رادیکالیسم را نمایندگی می کند.

نسل جوان امروز نه با ادبیات نهیج البلاغه میخواهد زندگی کند و نه حاضر است برای ادای حاجت قدمایشان را به راست و چپ به چرخاند. خصوصیت دیگر این حرکت را باید در بیکاری، تشدید فقر و نا امنی اقتصادی و گسترش بی افقی در جوانان دید. جوانانی که در سه دهه ی گذشته از داشتن یک زندگی انسانی و مستقل محروم اند. عصبان این نسل ریشه در اوضاع اقتصادی، دزدی و فلاتکی دارد که کمر مردم زحمتکش را خم نموده است. وضعیتی که این جوانان از کودکی، در خانواده شان گریبانشان را گرفته و اکنون خود در بزرگسالی به وارثان آن تبدیل شده اند. کودکانی که با سفره خالی، شرم پدر و تن فروشی مادر و خواهر بزرگ شده اند و خود اکنون در کنار خیابان به تکیه مشغولند یا زباله گر شده اند. کودکانی که هر روزه رژه بازنشستگان را در خیابان برای گرفتن بیمه ای که عمری برای آن کار کرده اند مشاهده می کنند و معلمانی که تلاش دارند دنیای دیگری با رنگهای زیبا ترسیم کنند. این خیزش انقلابی برای همه ی آنهاست که نه زندگی کردند، نه سهمی از زندگی برده اند و نه آینده ای دارند و بر همین اساس این نه خیزشی (همه با هم)، بلکه باید به تحولی انقلابی برای یک زندگی

شایسته انسان منجر شود و از دریچه ی همین رادیکالیسم برای تغییرات بنیادی باید تلاش اپوزیسیون راست پرو غرب را دید که به دیوار ندبه و ضریح دولت های مرتجع پناه برده و عده ای سلبریتی را در رکاب خود حمل می کند که شاید بتوانند پایداری نظم موجود را برای بقای سرمایه تضمین کنند و در این راه حاضر اند با جریانات مذهبی، ناسیونالیست و فدرالیست چپ ها ساخت و پاخت کنند.

ماهیت این خیزش مگر نه اینکه ظنن فریادهای آن زن کرمانشاهی است که در مقابل ماشین های شهرداری که قصد تخریب (کپری) که خانه اش بود ایستادگی کرد و از سکنه مرد؟ یا آن زن زحمتکشی که چند روز پیش بر اثر گرسنگی در خیابان های جنوب تهران بر زمین افتاد و جان داد، یا آن دختر ۱۷ ساله ی اهواز که پدرش بعد از بقتل رساندن جنازه اش را که در لای پتویی پیچید برای اعاده ی شرافتش در مقابل درب خانه ی رییس قبیله بر زمین گذاشت؟ چه کسی بعد از جانباختن شورش نیکنام در مهاباد که برای رفاه و آزادی به خیابان رفت موی دخترش ساینا را با زمزمه ی آوازی نرم شانه خواهد زد و می بافتد؟ چه کسی انتقام محسن محمد پورکارگر هفده ساله اهل خرمشهر را که در تهران کار میکرد و در قیام آبان ۹۸ به گلوله بسته شد خواهد گرفت؟ یا محمد موسوی زاده ۱۱ ساله شاگرد نمونه بدلیل عدم داشتن تلفن برای دسترسی به مشق های مدرسه اش در دوران کرونا خود را حلق آویز کرد و شهناز اکملی (ها) که هنوز بعد از این همه سال دنبال فرزندش میگردد. این همه زندگی فنا شده را چگونه باید توضیح داد؟ در ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ علی فاضلی منفرد معروف به علی رضا بدلیل گرایش جنسش توسط برادر ناتنی و دوپسر عمویش در نزدیکی اهواز ربوده شده و به قتل رسید. این خیزش و خواسته های آن را در زندگی تک تک این انسانها چگونه بایستی دید و به حرکتی برای تغییرات بنیادی گسترش داد. تغییری که وجه مشخصه آن باید آزادی انسان از قید و بند نظام سرمایه داری و در وهله ای اول سرنگونی جمهوری اسلامی باشد.

سالی که گذشت مردم در خیابانها نه تولد شاهی را جشن گرفتند و نه به دست بوسی خدایان روی زمین رفتند. سالی که گذشت سال مبارزه برای دراولیت قرار گرفتن حرمت زن بود. سالی برای کودکان زباله گر، سالی برای دانته ی محسن شکاری، سالی برای رقص خدانور لجمی در سراسر جهان، سالی برای یک زندگی بهتر و انسانی بود. این سال نشان داد که رادیکالیسم و کمونیسم در ایران و طبقه ی کارگر این شانس را دارد که در راس این اعتراضات وارد عمل شود و این در گروه این است که :

«**کارگران پیشرو و رهبران عملی کارگران ضروری است در محافل و شبکه های کارگری، میرمیت گسترش برگزاری مجمع عمومی و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی را در دستور عاجل بگذارند. در شرایط ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری، برای سازماندهی مجمع عمومی در اعتراضات و گسترش جنبش مجمع عمومی بعنوان پایه های یک جنبش شورائی- کارگری و جامعه شورائی فردا آگاهانه کار کنیم. شبکه های کارگری را بدوا در سطح رشته ها و همزمان در سطح شهر و شهرک های صنعتی و مراکز بزرگ تحکیم و برای رویارویی با سیاست فقر و فلاکت و بیکارسازی آماده شویم. برای ایجاد و اعلام شوراها و کنترل کارخانه ها آمادگی ذهنی میان توده کارگران ایجاد کنیم. دخالت سیاسی طبقه کارگر در قلمرو ماکروی سیاست را بعنوان دستور عاجل در شبکه های مخفی رهبران کارگری بررسی و اقدامات ضرور را انجام دهیم. سیاست تحرک اعتصابی را با مکانیسم های جنبش طبقه در همراهی با مبارزات توده ای و یا راسا علیه سیاستهای دولت مرتجع اسلامی در دستور بگذاریم. متحزب و متشکل شویم. طبقه کارگر بدون حزب سیاسی نمیتواند دستش بقدرت برسد. ما موظفیم موانع واقعی را کنار بزنیم، به نیازهای دوره یاسخ دهیم و سیاست و تاکتیک متناسب با این نیازها را در دستور کار خود بگذاریم. ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی کارگران کلیدی ترین مسئله برای تامین رهبری و بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی طبقه کارگر سوسیالیست و خیز برداشتن برای قدرت سیاسی است.»**

«از بیانیه حزب حکمتیست تحت عنوان جبهه های

حضور گسترده و قدرتمند شما در هر شکل اعتراضی ممکن رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی خواهد کرد و توان سرکوب و اعمال خشونت عریان را از نیروهای رژیم سلب میکند.

با اعتراضات خود در هر شکل مناسب، از حضور در خیابان، تجمع بر مزار جانبختگان یا در اعتراضات محله محور یاد جانبختگان خیزش انقلابی شهریور را یکصدا و مصمم گرامی بدارید.

به رژیم جمهوری اسلامی اعلام کنیم که زندانیان سیاسی در کردستان و سراسر ایران آزاد گردند و به سرکوب و پرونده سازی برای فعالین و خانواده های جانبختگان خاتمه داده شود.

در ۲۵ شهریور با حضور فعال خود یکبار دیگر اتحاد و همبستگی خود را با خیزش انقلابی و سراسری مردم ایران به نمایش بگذارید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

16 شهریور ۱۴۰۲

فراخوان آکسیون سراسری در ۱۵ و ۱۶ سپتامبر
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان
آزادی برابری، حکومت شورایی

استرالیا - سیدنی ۱۵ سپتامبر
ساعت ۱۸ تا ۲۰ در Sydney Town Hall

آلمان - کلن ۱۶ سپتامبر ساعت ۱۷ در Schildergasse 5

لندن ۱۶ سپتامبر ساعت ۱۲، از لندن آی به شماره ۱۰ دفتر نخست وزیر

نروژ - اسلو ۱۶ سپتامبر از ساعت ۱۳ تا ۱۵ Ch.Frederiks plass Oslo

هلند - آمستردام ۱۶ سپتامبر
ساعت ۱۲ تا ۱۴ در Leidsplein Amsterdam

سوئد - مرکز استکهلم ۱۶ سپتامبر
ساعت ۱۵ در Slussen Stockholm

تجمع در سالگرد
خیزش انقلابی شهریور به خیابان بیاییم
خیزش انقلابی
ادامه دارد
15.09.2023
16 bis 18 Uhr

Breslauer Platz, Köln
فراخوان دهندگان: حزب کمونیست ایران، واحد کلن و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، واحد کلن

فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست

به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی شهریور

۱۴۰۱

مردم مبارز و آزادیخواه کردستان!

یکسال بعد از قتل دولتی ژینا- مهسا امینی و خیزش انقلابی مردم آزادیخواه و توده های تحت ستم و سرکوب، امروز جمهوری اسلامی وحشیانه تر از هر زمانی به ایجاد رعب و وحشت در جامعه دامن زده است. تهدید و احضار فعالین و خانواده های جانبختگان، احکام طولانی مدت برای فعالین در بند و ربودن کسانی که به هر شکلی علیه این حکومت ایستاده اند تنها گوشه ای از سیستم سرکوب و ایجاد هراس برای شهروندان معترض است.

اما این دست و پا زدنهای رژیم نه از سر قدرت که از سر ترس و وحشت از حضور شما در میدان و اعتراضات مداوم و بیوقفه شما در همه عرصه های مبارزه است. شما مردم مبارز در طی این یکسال با حمایت از خانواده های جانبختگان، زندانیان و همه کسانی که در خیزش شهریور توسط جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گرفته بودند نشان دادید همبستگی و اتحادتان نه با ترندهای جمهوری اسلامی لطمه میخورد نه با هیچ سیاست دیگری که قصد به انحراف کشاندن این اعتراضات برحق و آزادیخواهانه را دارند.

حکومت سرکوبگر اسلامی در طی ۴۴ سال با تحمیل فقر، گرسنگی، بیحقوقی و تبعیض طبقاتی و جنسیتی به مردم کردستان و سراسر ایران، آزادی، امنیت و ابتدائی ترین حقوق انسانی را از شما مردم سلب کرده است. خواست و مطالبات برحق همه اقشار اجتماعی از زنان، جوانان تا معلمان و کارگران و همه مردم بجان آمده را با سرکوب و زندان و اعدام و شکنجه پاسخ داده و برای بقای خود به هر جنایتی دست زده است.

شما در خیزش شهریور ۱۴۰۱ خشم بحق و فروخورده این چهار دهه را با حضور در خیابان و با اعتراضات محله محور، با به آتش کشیدن حجاب و با شعار جمهوری اسلامی نمیخوایم بر سر این حکومت فریاد زدید و علیه سیاستهای سرکوبگرانه این حکومت خیابانها را به تسخیر خود درآوردید. اینک و در آستانه سالگرد این خیزش انقلابی شاهد تلاش جوانان، زنان و مردان آزادیخواه برای گرامیداشت خیزش شهریور و گرامیداشت یاد عزیزان جانبخته هستیم. علیرغم ایجاد رعب و وحشت از طرف رژیم و نیروهای سرکوبگر، مردم آزادیخواه تسلیم و مرعوب این موج بی سابقه سرکوب نشده و عزم جزم کرده اند یکبار دیگر با حضور در میدان مبارزه کفرخواست خود علیه این رژیم مرتجع و سرکوبگر را صادر کنند و اجازه ندهند زندگی زیر خط فقر، اعدام و کشتار جوانان و سرکوب و تحقیر زنان سهم ما مردم از این زندگی باشد. تاکنون فراخوانهایی به این مناسبت از طرف بخشی از خانواده های جانبختگان و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی اعلام شده.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست همراه و همصدا با این تلاشها، شما مردم مبارز کردستان را به مشارکت همه جانبه در این اعتراضات فرا میخواند. اقدامات وحشیانه رژیم سرکوبگر اسلامی برای خالی کردن خیابانها از حضور انقلابی و فعال شماست. اما همه شواهد موجود نشان از دستپاچگی سران ریز و درشت حکومت دارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

کار خواهد شد.



حدادیان لمپنی اسلامی است که در مراسم مذهبی در کنار مداحی از عبارات و سخنان هرزه همراه با توهین های جنسی سخن میگویند و از این جهت در میان لومین های اسلامی سپاه و در میان دکانداران مذهب حکومت اسلامی طرفدارانی دارد.

در این مدت در فضای مدیای اجتماعی و کانالهای مختلف داخل

کشوری شاهد اعتراض به مضحکه استادی سعید حدادیان در دانشگاه هستیم، اما این کافی نیست. علیه این دهن کجی به استاد و دانشجو ونسبت به جنایتی که جمهوری اسلامی در دانشگاهها علیه دانشجویان و اخراج اساتید علمی دانشگاه به راه انداخته باید اعتراض کرد و انتظار این است که جنبش دانشجویی و جنبش معلمان متحدانه علیه سیاست سرکوب در دانشگاهها و اخراج اساتید مخالف رژیم و حامی دانشجویان معترض، متحدانه دست به اعتراض بزنند. بسیار مهم است در حالی که در مدارس بجای معلمان، طلبه استخدام می کنند تا فضای آموزشی را به گند بکشند و دانشگاه را به مسجد و هیئت عزاداری تبدیل کنند دست به اعتراض رادیکال و منسجم زد.

دانشگاه در آستانه سالگرد خیزش انقلابی شهریور با چالشی جدی روبروست؛ برگزاری بزرگداشت سالگرد خیزش انقلابی شهریور، اعتراض وسیع به روند اخراج و پاکسازی اساتید دانشگاه، اعتراض به گمارده شدن لومین هایی مانند سعید حدادیان به کرسی استادی و همچنین اعتراض به بازداشت، محرومیت از تحصیل و تبعید دانشجویان.

در سالگرد خیزش انقلابی شهریور، ضروری است که دانشجویان در خلال این بزرگداشت، ضمن تکرار خواستها و شعارهای رادیکال و چپ سال گذشته، به روند اخراج اساتید و گمارده شدن مرتجعینی همچون حدادیان وسیعا دست به اعتراض بزنند.

دانشگاه سنگر آزادیست!

۱۶ شهریور ۱۴۰۲

اخراج اساتید و گماردن مداحان به کرسی استادی؛ دانشگاه هیئت عزاداری نیست، دانشگاه سنگر آزادیست!

امیر عسگری

در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ جنبش دانشجویی در سطح سراسری و سازمانیافته علیه قوانین زن ستیزانه، آپارتاید مذهبی و دینی و کلیت سرمایه داری هار اسلامی با شعار های سرنگونی طلبانه و چپ پیاخاست. علی رغم بازداشت بیش از ۳۰۰ نفر در همان آغاز جریان اعتراضات دانشجویی، این جنبش پیشرو به مبارزات خود در اشکال مختلف ادامه داد و در برابر فشارهای حکومت جنایتکاران اسلامی کمر خم نکرد. در تابستان به دلیل تعطیلی تابستانی و بسته بودن دانشگاه، شاهد اقدامات میدانی و پراتیک انقلابی دانشجویان نبودیم، اما رادیکالیسم سیاسی و جو مبارزاتی در دانشگاه با هژمونی چپ کمکان بر جای خود استوار است. هژمونی چپ در اعتراضات دانشگاه پس از خیزش شهریور با شعارهای؛ “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر”، “تان کار آزادی، اداره شورائی” و “نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی، برابری” اثبات شد و رعشه بر تن حکومت اسلامی و جناح راست اپوزیسیون بخصوص سلطنت طلبان مفت خور انداخت. از همین جهت جمهوری اسلامی سرکوب شدید و اخراج دانشجویان را در دستور کار خود دارد و میخواهد به نابودی دانشگاه ادامه دهد چرا که دانشگاه سنگر آزادی و آرایه خوی است.

در روزهای گذشته شاهد اخراج اساتید دانشگاه بخصوص اساتیدی هستیم که از جنبش دانشجویی و مبارزات آنان حمایت کرده اند. دانشجویان بسیاری نسبت به روند اخراج اساتید دانشگاه اعتراض کردند و نمونه مشخص آن صدور بیانیه دانشجویان فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر میباشد. در این بیانیه گفته شده است؛

“پیش از این هر چه لازم بود را گفته ایم. ما، دانشجویان رشته فلسفه هنر دانشگاه هنر، نه شما را به رسمیت می شناسیم، نه تصمیم هایتان را.

مترسک های تازه شما، در نظر ما وزن کافی را برای به رسمیت شناخته شدن ندارند.

حرف کوتاه است: انتخاب واحد نمی کنیم، سر کلاس ها شرکت نمی کنیم.

استادهای جایگزین، توهین به شأن کلاس ها و دانش و دانشگاه اند. ما در این توهین همدست شما نخواهیم بود. تا بازگشت دکتر علیا و دکتر مازیار به کلاس های درس، پاسخ ما، به شما و کلاس های خالی تان یک کلمه است: “نه”.

در چنین فضایی که حکومت اسلامی کمر به سرکوب و ویرانی هر چه بیشتر فضای علمی دانشگاه بسته است، در دهن کجی و تقابل با مبارزات دانشجویان که خواهان خلاصی از کلیت بند و بساط اسلام و حراست و قوانین ارتجاعی در دانشگاه و جامعه هستند و از حجاب سوزان را با جسارت قابل تقدیر حمایت کردند، سعید حدادیان سپاهی و مداح لمپن و پاچه خوار خامنه ای الدنگ را به کرسی استادی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می گمارند.

سعید حدادیان از مدافعین اقدامات تروریستی سپاه پاسداران و سپاه قدس بوده و بواسطه ارتباطات حکومتی خود از سال ۹۶ در دانشگاه تهران بدون دارا بودن هرگونه صلاحیت علمی، افکار پوسیده و بیمار خود را تحت عنوان تدریس به دانشجویان تحمیل می کند، اما اکنون بطور رسمی بعنوان استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول به



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

پدر مهسا (ژینا) امینی: مراسم سالگرد را برگزار می‌کنیم!

امجد امینی، پدر مهسا (ژینا) امینی در مصاحبه‌ای ضمن اعلام قصد برگزاری مراسم سالگرد برای گرامیداشت نام و یاد دخترش، و همچنین تسلی خاطر خانواده و بستگان و همه دوستانش، گفت: «اما قطعاً با توجه به شرایط نمی‌توانیم به صورت رسمی برای دعوت مردم در مراسم فراخوان بدهیم و یا به مردم بگوییم که در مراسم شرکت نکنند. امروزه همه می‌دانند که مهسا فقط متعلق به خانواده امینی نیست و او دختر ایران است و متعلق به تمام کشور است و همه دوست‌داران مهسا به مثابه خانواده‌اش هستند. بنابراین مردم هر طور تصمیم بگیرند ما مطیع‌شان هستیم.»

انفجار در معدن رزمجاه طرزه دامغان

جنایت سریال سرمایه داران علیه کارگران ادامه دارد

روز یکشنبه ۱۲ شهریور حوالی ساعت ۷ عصر انفجاری در معدن زغال سنگ رزمجاه غربی طرزه در دامغان رخ داد که به محبوس شدن کارگران در عمق ۷۰۰ متری منجر شد. در این انفجار ۶ کارگر جانباختند و تعداد دیگری مسموم و زخمی شدند. روز دوشنبه ۱۳ شهریور با کمک کارگران و گروه‌های امداد پیکر بی‌جان کارگران را از معدن بیرون آوردند. آقایان بهروزافروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت کارگرانی هستند که در این فاجعه‌جانان را از دست دادند.

رضا هاشمی استاندار دامغان با وقاحت ویژه یک سرمایه دار از «مدیریت در این فاجعه و خروج تجمیع گاز دی اکسید کربن برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ» سخن می‌گوید. ظاهراً به قتل رسیدن شش کارگر و زخمی و مسموم شدن تعداد بیشتری فاجعه نبوده است. آنها که از عصبانیت کارگران و خانواده‌هایشان وحشت کردند می‌گویند «فعالیت نکردن موقت معدن نباید به معیشت و پرداخت دستمزد نیروهای شاغل در آن لطمه وارد کند و با سرعت و دقت ایمن‌سازی پیگیری و مدیران مربوطه دستمزد کارگران در آن ایام را پرداخت کنند.» در این میان پیمانکار معدن ظاهراً هیچ مسئولیتی در این فاجعه ندارد و وعده سرخرمن دادن برای ایمن‌سازی تنها نقش صدا خفه کن و جلوگیری از اعتراض کارگران و خانواده‌هایشان را دارد.

انفجار معدن رزمجاه یکی دیگر از فجایع مستمر در معادن ایران و ادامه قتل سریال سرمایه داران در محیط‌های ناامن کار علیه کارگران است. پیمانکار زالو، معدنچی را بدون وسائل ایمنی کار و بدون تعبیه سیستم‌های ایمنی خروج گاز و تشخیص مخاطرات به عمق معدن می‌فرستد تا برای سرمایه دار سنگ معدن استخراج کند. هر روز فاجعه‌ای رخ می‌دهد و هر روز شاهد این تشبیهات هستیم و کمترین اقدام برای ایمن‌سازی محیط کار صورت نمی‌گیرد و بطور متوسط روزانه شش کارگر در محل کار به قتل می‌رسند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های کارگران جانباخته و همکاران آنها اعلام می‌کند که اطلاق «حوادث کار» به این فجایع نادرست و پوششی برای عادی جلوه دادن یک جنایت سریال و خاموش و قانونی کارفرمایان علیه کارگران است. عنوان این فجایع «قتل عمد سرمایه داران در محیط ناامن کار» است. قتل‌هایی که بدلیل سودجویی سرمایه دار و فقدان وسائل ایمنی کار رخ می‌دهد. «حوادث کار» (اسم رمز یک جنایت سریال سرمایه داران علیه کارگران است و اگر نتیجه عدالتی معنا داشت، می‌بایست مسبب این قتلها را محاکمه و محکوم می‌شدند. حزب از کارگران و مردم دامغان

دعوت می‌کند علیه پیمانکار و صاحب معدن و مسئولان استان دست به اعتراض بزنند و در مراسم تشییع کارگران جانباخته وسیعاً شرکت کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۳ شهریور ۱۴۰۲ - ۴ اوت ۲۰۲۳

پیام به خانواده‌های کارگران سنگ معدن طرزه دامغان

به نقل از: کانال مستقل کارگران هفت تپه

با تاسف از خبر ریزش در معدن و مدفون شدن شش کارگر و جانباختن آنان مطلع شدیم و دگربار دردی در جسم و روان مان پیچید. هر روز شاهد اخبار جان باختن کارگران در محیط کار در چهارگوشه ایران هستیم. خود ما در هفت تپه کم از این موارد و حتی خودکشی زیر فشار کار و بیحقوقی نداشته ایم. کارگر برای یک لقمه نان مثل برده‌های عهد قدیم هر روز به قربانگاہی به اسم محیط کار در کارخانه و معدن و ساخت و ساز و چاه و اورهال می‌رود و هر روز ممکن است روز آخر کارش باشد و فرزندان چشم براه دیگر نان آور خانه را نبینند.

تنگ و نفرت بر سرمایه داران که با شریف‌ترین انسان‌های کارکن مثل بردگان رفتار می‌کند. تنگ و نفرت بر نظامی که حرف اول و آخرش سود و سود است. تنگ و نفرت بر پیمانکاران زالو صفتی که از جان کارگران خرج می‌کنند تا جیب گشادشان را پر کنند. همین قوانین روی کاغذ از تامین ایمنی محیط کار و استاندارد بودن پروتکل‌های امنیتی صحبت می‌کند اما در عمل هیچ و در نتیجه فاجعه و نابودی خانواده‌های کارگری.

ما کارگران هفت تپه با هم طبقه‌ای هستیم. ما کارگران دامغان و خانواده‌های کارگران جانباخته آقایان «بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت» اعلام همدردی می‌کنیم و مراتب تسلیت خود را اعلام می‌داریم. ما می‌گوییم این کارگران را پیمانکار و کارفرما کشتند. هر کارگری که در حین کار نقص عضو میشود و یا کشته میشود مقصری جز سرمایه دار و کارفرما ندارد. قاتل‌ها را حمایت می‌کنند و با گفتن «حادثه کار» روی شان را برمیگردانند و این داستان‌ها برای نان ادامه دارد. کارگران در سراسر کشور باید همت کنند و برای تامین استاندارد ایمنی کار و تحمیل و رعایت پروتکل‌های امنیتی کار به کارفرمایان جلو بیایند. این تنها راه کاهش این فجایع و قتل‌های کارگری در محیط کار است.

ما یاد کارگران جانباخته را گرمی می‌داریم و از مردم و کارگران کشور می‌خواهیم ضمن گرامیداشت عزیزان جانباخته، از حقوق سایر همکارانشان و از خانواده‌های جانباختگان و همکارانشان در معدن طرزه حمایت کنند.

از طرف جمعی از کارگران و خانواده‌های هفت تپه

باز نشر کانال مستقل کارگران هفت تپه

اخراج دسته جمعی ۳۸ کارگر نفت و گاز بانکول ایوان غرب

۳۸ کارگر استخدامی شرکت نفت و گاز بانکول ایوان غرب از توابع استان ایلام، پس از مطالبه دستمزد معوق

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

منطقه اهواز، یاسوج، اصفهان، اراک، مشهد، گرگان، گیلان، تهران، اردبیل، شیراز، بندرعباس، تبریز، سنندج، زنجان، زاهدان و خرم آباد در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق جمعاعات دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری اهواز، یزد، سنندج، همدان، تبریز، کرمانشاه، قزوین، رشت، کرج، تهران و ساری مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان کشوری دست به تجمع زدند.

بیانیه عفو بین‌الملل در باره مرگ جواد روحی

سازمان عفو بین‌الملل پنج‌شنبه هشتم شهریور با انتشار بیانیه‌ای خواستار برگزاری «تحقیق و تفحص» و «انجام» تحقیقات مستقل «درباره علت مرگ این زندانی سیاسی شد. در بیانیه هشتم شهریور ۱۴۰۲ سازمان عفو بین‌الملل، مقام‌های جمهوری اسلامی متهم شده‌اند که جواد روحی را با مجموعه‌ای از «جرائم بین‌المللی»، از جمله «ناپدید سازی قهری»، «انفرادی» و «شکنجه»، قربانی کرده‌اند تا او وادار به «اعتراف اجباری» شود. این سازمان ضمن محکومیت «مرگ مشکوک» این زندانی سیاسی «دربند جمهوری اسلامی، آن را نشان‌گر «نقض نفرت‌انگیز حق زندگی در نظام جمهوری اسلامی» دانست. چندی پیش عفو بین‌الملل «عوامل سپاه پاسداران» را متهم کرده بود که جواد روحی را در سول‌های انفرادی زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی، از جمله شلاق، تهدید به تجاوز و اعدام ساختگی قرار داده بودند.

ممنوع‌التدریسی دو استاد دانشگاه هنر

دانشگاه هنر، با حذف نام دکتر مسعود علیا و دکتر امیر مازیار از چارت دروس ترم آتی گروه فلسفه هنر این دانشگاه، این دو استاد دانشگاه را ممنوع‌التدریس کرد. دروس مورد تدریس این دو استاد به سایر اساتید واگذار شده است. پیشتر در ترم گذشته نیز امیر مازیار از تدریس منع شده بود. مسعود علیا و امیر مازیار از امضاکنندگان بیانیه‌ی اساتید در اعتراض به بازداشت گسترده دانشجویان بوده‌اند.

صدور حکم بازنشستگی برای زهرا عوض زاده

هیات تخلفات آموزش و پرورش خراسان شمالی طی حکمی خانم عوض زاده را به بازنشستگی اجبار و کسر گروه محکوم کرد پیش‌تر هم بازپرسی دادگاه انقلاب بجنورد با طرح اتهاماتی برای این فعال صنفی پرونده قضایی گشوده‌است. هیاتهای تخلف آموزش و پرورش با دستور مقامات امنیتی عملاً معیشت فرهنگیان را گروگان گرفته‌اند و هر روز شاهد صدور حکمی علیه فعالین صنفی هستیم.

پرونده‌سازی برای حسن نظریان، عضو انجمن معلمان گیلان

آموزش و پرورش استان گیلان با پرونده سازی سیاست اخراج معلمان را ادامه می‌دهد. حسن نظریان طی نامه‌ای به هیات تخلفات اداری استان گیلان احضار شده است. در نامه هیات تخلفات اداری، اتهامات ایشان از جمله: ۱- تحصن در دفتر مدرسه با در دست داشتن پلاکارد «ما این همه ستم و تبعیض را تحمل نمی‌کنیم»، ۲- تحصن انفرادی در کلاس درس در هنرستان سهروردی، با پلاکارد «معلم زندانی آزاد باید گردد» که بر روی تابلوی پشت سر نیز شعار زن زندگی آزادی حک شده بود، ۳- شرکت فعال در جمعاعات مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان و ایراد سخنانی، اعتراض به ایجاد مسمومیت عمدی دانش‌آموزان و مدارس با شعار «حملات شیمیایی بر روی ما را متوقف

خود از کار اخراج شدند. کارفرمای شرکت نفت و گاز بانکول ایوان غرب، ضمن صدور دستور اخراج ۳۸ کارگر، علیه آن‌ها اقامه دعوا کرده است. قابل ذکر است که این افراد پیشتر برای خواسته‌های معوق خردادماه دست به اعتصاب زده بودند. این پروژه به سپاه پاسداران واگذار شده و سپاه نیز افراد وابسته و نزدیک به خود را به جای کارگران اخراج شده به کار گرفته است. در همین رابطه، روز ۴ مرداد ماه ۱۴۰۲، حیدر محسنی، پدر دو فرزند و کارگر پتروشیمی شهر چوار استان ایلام، پس از اخراج با اقدام به خودکشی جانباخت. پیشتر نیز، علی‌محمد کریمی و محمد منصوری، دو تن از پرسنل این شرکت به دلیل اخراج با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان دادند.

مرگ یکی از کارگران پتروشیمی بوشهر

بنا بر خبر رسیده، یکی از کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی بوشهر با هویت کاووس طهماسبی، حین کار و بلعت ریزش متریال از بالای سر و سقوط به پائین جاننش را از دست داده است. کاووس طهماسبی فوراً در بیمارستان و از نیروهای با سابقه در پروژه‌های صنعت نفت بوده است.

تداوم بازداشت ۶ کارگر معدن آق‌دره در زندان ارومیه

شش تن از کارگران بازداشت شده در جریان اعتراضات کارگران معدن آق‌دره از توابع شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی بطور بلا تکلیف در زندان مرکزی ارومیه بسر می‌برند. این کارگران از اواسط مردادماه سال جاری در بازداشت بسر می‌برند. کارگرانی که بطور بلا تکلیف در زندان ارومیه بسر می‌برند در دو معدن طلا و سنگ واقع در روستای آق‌دره شاغل بودند و علیرغم گذشت بیش از یکماه از تاریخ دستگیری به پرونده آنها رسیدگی نشده و در وضعیت بلا تکلیف بسر می‌برند. همچنین، از مجموع ۶۰ کارگر و اهالی بازداشت شده روستای آق‌دره در جریان تجمع اعتراضی، ۲۰ نفر از آنها هر یک با تودیع وثیقه‌هایی به مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان آزاد شدند. اتهامات تفهیم شده به این کارگران (اخلال در نظم عمومی)، (اقدام علیه امنیت داخلی کشور) و (آدم ربایی) عنوان شده است. اواسط مردادماه ۱۴۰۲، اهالی روستای آق‌دره وسطی در جریان برگزاری تجمع اعتراضی برای کار و در خصوص آسیبهای زیست محیطی وارد شده به منطقه در پی فعالیت معادن طلای آق‌دره و سایر منابع غنی از آن منطقه و بیکاری و فقر اهالی روستاهای توابع، دست به اعتراض زدند که طی آن درگیری و تیراندازی رخ داد که دو نفر از اهالی روستا زخمی شدند. متعاقب آن ماموران نیروی انتظامی و ضد شورش شبانه به روستا حمله کردند و ضمن ضرب و شتم اهالی همه مردان روستا را بازداشت و به اداره اطلاعات ارومیه منتقل کردند. این کارگران پس از دو هفته بازجویی و شکنجه و آزار فراوان به زندان مرکزی ارومیه منتقل شدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان

روز یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، اهواز، کرمانشاه، صنایع فولاد اصفهان، فولاد و معدن تهران و شوشتر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها و درمان رایگان مجدداً دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعلامیه حزب حکمتیست

انفجار در معدن رزمجاه طزره دامغان جنایت سریال سرمایه داران علیه کارگران ادامه دارد

دیروز یکشنبه ۱۲ شهریور حوالی ساعت ۷ عصر انفجاری در معدن زغال سنگ رزمجای غربی طزره در دامغان رخ داد که به محبوس شدن کارگران در عمق ۷۰۰ متری منجر شد. در این انفجار ۶ کارگر جانباختند و تعداد دیگری مسموم و زخمی شدند. امروز دوشنبه ۱۳ شهریور با کمک کارگران و گروه های امداد پیکر بی جان کارگران را از معدن بیرون آوردند. آقایان بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت کارگرانی هستند که در این فاجعه جانشان را از دست دادند.

رضا هاشمی استاندار دامغان با وقاحت ویژه یک سرمایه دار از «مدیریت در این فاجعه و خروج تجمیع گاز دی اکسید کربن برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ» سخن میگوید. ظاهرا به قتل رسیدن شش کارگر و زخمی و مسموم شدن تعداد بیشتری فاجعه نبوده است. آنها که از عصبانیت کارگران و خانواده هایشان وحشت کردند میگویند «فعالیت نکردن موقت معدن نباید به معیشت و پرداخت دستمزد نیروهای شاغل در آن لطمه وارد کند و با سرعت و دقت ایمن سازی پیگیری و مدیران مربوطه دستمزد کارگران در آن ایام را پرداخت کنند.» در این میان پیمانکار معدن ظاهرا هیچ مسئولیتی در این فاجعه ندارد و وعده سرخرمن دادن برای ایمن سازی تنها نقش صدا خفه کن و جلوگیری از اعتراض کارگران و خانواده هایشان را دارد.

انفجار معدن رزمجاه طزره یکی دیگر از فجایع مستمر در معادن ایران و ادامه قتل سریال سرمایه داران در محیطهای ناامن کار علیه کارگران است. پیمانکار زلو، معدنچی را بدون وسائل ایمنی کار و بدون تعبیه سیستم های ایمنی خروج گاز و تشخیص مخاطرات به عمق معدن میفرستد تا برای سرمایه دار سنگ معدن استخراج کند. هر روز فاجعه ای رخ میدهد و هر روز شاهد این تشبئات هستیم و کمترین اقدام برای ایمن سازی محیط کار صورت نمیگیرد و بطور متوسط روزانه شش کارگر در محل کار به قتل میرسند.

حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست ضمن ابراز همدردی با خانواده های کارگران جانباخته و همکاران آنها اعلام میکند که اطلاق «حوادث کار» به این فجایع نادرست و پوششی برای عادی جلوه دادن یک جنایت سریال و خاموش و قانونی کارفرمایان علیه کارگران است. عنوان این فجایع «قتل عمد سرمایه داران در محیط ناامن کار» است. قتلهایی که بدلیل سودجویی سرمایه دار و فقدان وسائل ایمنی کار رخ میدهد. «حوادث کار» «اسم رمز یک جنایت سریال سرمایه داران علیه کارگران است و اگر نیمچه عدالتی معنا داشت، می بایست مسبب این قتلها را محاکمه و محکوم میشدند. حزب از کارگران و مردم دامغان دعوت میکند علیه پیمانکار و صاحب معدن و مسئولان استان دست به اعتراض بزنند و در مراسم تشییع کارگران جانباخته وسیعا شرکت کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست
۱۳ شهریور ۱۴۰۲ - ۴ اوت ۲۰۲۳

کند»، ۴- انتشار تصاویر مربوط به اعتراضات ۱۴۰۱ در پروفایل شخصی، ۵- عضویت در کانون صنفی فرهنگیان گیلان ۶- حضور در منزل زندانیان سیاسی ۷- مشارکت و سخنرانی در گفتگوی شبکه اجتماعی کلابهاوس است که با ادبیات مهوع امنیتی و مالیخولیایی ترکیب و تنظیم شده است.

الناز محمدی و نگین باقری به سه سال حبس تعلیقی محکوم شدند

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران الناز محمدی و نگین باقری، دو خبرنگار را به اتهام اجتماع و تبانی به سه سال حبس تعلیقی محکوم کرد. الناز محمدی، دبیر سرویس اجتماعی روزنامه همپهن، روز ۱۶ بهمن سال گذشته و پس از احضار به دادرسی اوین، بازداشت و یک هفته بعد به قید وثیقه آزاد شد. نگین باقری، روزنامهنگار و فعال حقوق زنان، نیز روز ۱۹ بهمن ماه پارسال پس از احضار به دادرسی اوین، تفهیم اتهام و با تودیع قرار وثیقه یک میلیارد تومانی به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بود.

تشدید بیماری و وخامت جسمی جعفر ابراهیمی در زندان

کانال شورای هماهنگی خبر میدهد که متأسفانه بیماری جعفر ابراهیمی در طول هفته گذشته تشدید شده و وضعیت جسمی این معلم زندانی رو به وخامت بوده است. به طوریکه هفته گذشته، بخاطر افت فشار، در هواخوری زندان بیهوش شده و به بهداری زندان اوین منتقل شده است. بنا بر گفته هم بندیان جعفر ابراهیمی، این معلم زندانی در شرایطی است که برخی اوقات، برای طی کردن مسافتی کوتاه هم نیازمند همراهی و کمک هم بندیان خود میباشد. صبح روز یکشنبه ۱۲ شهریور این معلم زندانی، بدون هماهنگی قبلی، به بهانه انتقال به بهداری، بدون امکان دسترسی به وسایل شخصی از جمله داروها و کارت تلفن به زندان قزل حصار کرج منتقل شد. صبح همین روز همراه با جعفر ابراهیمی، کامیار فکور، احمدرضا حائری و رضا سلمان زاده از زندانیان سیاسی نیز از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شدند. به گفته آقای کرم ویسی با شکایت اداره کل زندان های استان تهران علیه موکلم جعفر ابراهیمی پرونده ای جدید با اتهامات ۱- اخلال در نظم و آسایش عمومی و ۲- توهین به مقامات و مامورین زندان در شعبه ۳ بازپرسی دادرسی اوین ثبت شده است. پرونده مشابهی برای کامیار فکور سرهم شده است.

محکومیت سلیمان عبدی در دادگاه شهر سقز

به موجب حکم دادگاه کذایی شهر سقز، سلیمان عبدی، از معلمان این شهرستان و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شدند. پیشتر این معلم، برای همین پرونده از سوی شعبه ۱۰۵ کیفری بابت «اخلال در نظم عمومی» نیز به ۸ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود که در سایه بیگناهی ایشان و قیج پرونده سازی صورت گرفته، حکم صادره به ۷۲۰ ساعت آموزش رایگان به دانش آموزان بی بضاعت، امری که این معلم سقزی در طول ۲۸ سال معلمی خود همواره بدان عمل کرده اند، و ۷۴ ضربه شلاق به مدت دو سال تعلیق، تغییر یافت. این احکام بدلیل صحبت های آقای عبدی در مراسم پنجشنبه آخر سال ۱۴۰۱ بر مزار ژینا امینی بود.



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت تهدیدات جمهوری اسلامی

برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر

در کردستان عراق!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست‌زینه سیاسی این اعمال جنایتکارانه و تروریستی را سنگین تر کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

15 شهریور ۱۴۰۲

6 سپتامبر 2023

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

در آستانه سالگرد قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی که آغازگر جنبش انقلابی سراسری شد، رژیم جمهوری اسلامی در هراس از شعله ور شدن دوباره اعتراضات توده ای و در ادامه اعمال تروریستی باز دیگر تهدیدات خود برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را از سر گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی از برپا کردن این جار و جنجال تبلیغاتی و تهدید به موشک باران اردوگاههای نیروهای اپوزیسیون و تعیین ضرب-العجل برای خلع سلاح این نیروها اهداف چند گانه ای را تعقیب می کند. رژیم اسلامی در مانده و عاجز در برابر تداوم مبارزات و جنبش های اعتراضی در داخل ایران در تلاش است اذهان عمومی در ایران و منطقه را از تداوم خیزش انقلابی منحرف و به بحران آفرینی در بیرون از مرزهای ایران جلب نماید.

در حالی که یکی از جلوه های شکوهمند مبارزات مردم کردستان در این دوره اتحاد و همبستگی با جنبش انقلابی در سراسر ایران بوده است، رژیم اسلامی با دروغ پردازی و اهدافی تفرقه اندازانه می خواهد جنبش اعتراضی و توده ای در کردستان را از جنبش سراسری جدا کرده و آن را نتیجه فعالیت و تحرک نظامی نیروهای مستقر در کردستان عراق معرفی نماید. رژیم جمهوری اسلامی در حالی که در رقابت با قدرت های رقیب منطقه ای موقعیتش در خاورمیانه تضعیف شده است می خواهد با تکیه بر نفوذی که بر گروه های اسلامی شیعه سهیم در ساختار قدرت در عراق و حشد الشعبی دارد این شکست ها را تا حدودی جبران کند. از این روی طی قراردادی زمان بندی شده با دولت مرکزی عراق برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان تلاش دارد با سیاست تجاوزکارانه، دامن زدن به تروریسم و مداخله گری ها و با بی ثبات کردن بیشتر منطقه خود را برای دوره جدید از جدال و کشمکش در عراق و منطقه آماده کند.

تردیدی نیست رژیمی که تنها با اتکا به سرکوب و اقدامات تروریستی و تجاوزکارانه اش سر پا ایستاده در این پروژه شوم نیز شکست خواهد خورد. بحران های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه، که ایران را به سوی انفجاری ساختار شکن برده از یک طرف و رشد و تعمیق مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان، فرهنگیان، بازنشستگان و سایر جنبش های اجتماعی از طرف دیگر، امان این را به رژیم ترور و اعدام نخواهد داد تا با توسل به خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون از مهلکه ای که گریبانش را گرفته است، خلاصی یابد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تهدیدات قلدرمنشانه رژیم اسلامی را بر علیه نیروهای اپوزیسیون، پناهندگان و مردم زحمتکش نوار مرزی کردستان عراق قویا محکوم می کند و از همه نیروهای آزادیخواه و انقلابی درخواست می کند که با پشتیبانی و همگامی با جنبش های اجتماعی در ایران که "پاشنه آشیل" این رژیم رو به زوال است، صدای مبارزات انقلابی توده های بیخاسته کار و زحمت را به هر شکل ممکن از قبیل اعتصاب و اعتراضات خیابانی در سالگرد خیزش انقلابی شهریور ماه رساتر سازند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از نیروهای جنبش سوسیالیستی و نیروهای پیشرو و



partowTV
اطلاعیه

بنیانگذار عزیز
از اول اکتبر ۲۰۲۱ کمال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو
شورای "تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست بخش
خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب
حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.
بزودی ساعات پخش برنامه های اطلاع شما خواهد رسید.

ماهواره یاه سات
فرکانس: ۱۲۵۱۴
پولاریزاسیون: افقی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
ا ف ای سی: ۲۲

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب
پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی
سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی
ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده
رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان
صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج
نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی
همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!